

راه توده

شهر مولان حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۱ دی ۱۳۱۲ مطابق
۶ ژانویه ۱۹۸۴
سال دوم، شماره ۲۴
پهلو ۱۰۰، خیابان

بحران اقتصادی و سیاسی در میهن ما بازتاب تحکیم مواضع رژیم سرمایه داری وابسته در ایران است! • جبهه متحد خلق تنها ضامن نجات انقلاب است!

در سند اصلی بلنوم هجد هم کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره وضع جهان، ایران و وظایف حزب در مرحله کنونی آمده است:

"چرخش هیئت حاکمه به راست در زمینه سیاست داخلی و خارجی که به شکل احیای نظام منحط سرمایه داری وابسته تقویت بنیه مالی بورژوازی تجاری، احیای مواضع اقتصادی و مآلا سیاسی امپریالیسم و همسانی و همسوئی هر چه بیشتر با دول امپریالیستی تظاهر می کند، جامعه را با بحران اجتماعی - اقتصادی و سیاسی روبرو ساخته است."
قطب نامه در باره جوانب گوناگون بحران اجتماعی - اقتصادی جامعه ما می افزاید:

"تورم فزاینده، گرانی سرسام آور، افزایش سریع هزینه زندگی، بیکاری فراگیر، ادامه مهاجرت رستائیان از هستی سابق شده به شهرها، گسترش فساد، اختلاس، غارت بی سابقه، تروریست های اقتصادی، تحت حمایت هیئت حاکمه تشدید وابستگی صنعتی، افزایش سریع واردات کالاها، مصرفی و محصولات کشاورزی در عین کاهش بی وقفه صادرات و بالاخره بقیه در صفحه ۶"

دیوان بلخ

"دادگاه انقلاب اسلامی ارتش" طبق کدام قانون و مقررات و کیفر ارتش مصوب مجلس شورای اسلامی عمل می کند!؟

محاکمه افسران میهن دوست در بیدادگاه های رژیم ادامه دارد. جنایت هولناک جدیدی در حال تکوین است. سران ج ۱۰ درصد دند با این عمل ضد انسانی افکار عمومی را از پی آمد های مخرب سیاست عمیقاً ضد خلقی احیاء مواضع اقتصادی و سیاسی امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در کشور منحرف سازند.

حکام شرع، با زیر پا گذاردن همه موازین اخلاقی و اصول مقررات دادرسی مورد پذیرش جوامع متدین و نیز لگد مال کردن اصول قانون اساسی ج ۱۰، بار دیگر در پهنه عمل ماهیت ضد دموکراتیک رژیم را در انظار مردم ایران و جهان به نمایش گذاردند.

اطلاعات مربوط به جریان دادرسی قربانیان رژیم، که به مانند دوران رژیم شاه مخلصوع، بخشنامهوار و فرمایشی در رسانه های گروهی زیر سانسور انتشار می یابد، به طور عمده عبارت است از تکرار موارد اتهام واهی و بی اساس از زبان رئیس دادگاه و دادستان. حتی این اطلاعات ناقص و یک جانبه موعید آنست که محاکمه افسران میهن دوست در "دادگاه انقلاب اسلامی ارتش" به دلایل زیرین فاقد کوچکترین ارزش از لحاظ اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و قضائی است:

۱- "دادگاه انقلاب اسلامی ارتش" طبق کدام قانون و مقررات دادرسی کیفر ارتش مصوب مجلس شورای اسلامی عمل می کند؟

جسای تردید نیست که این دادگاه خلف دادگاه نظامی دوران رژیم منحط گذشته است.

بقیه در صفحه ۲

تفسیری از پرواوا:

این کار به سود چه کسی است؟

تبر حلاله، بار دیگر جان میهن دوستان واقعی را تهدید می کند

جنایتی هولناک علیه دانش، فرهنگ ایرانی و زبان فارسی

• دست نوشته ۱۱۴ اثر چاپ نشده رفیق احسان طبری بدستور حاکمیت جمهوری اسلامی نابود شد

این روزها اطلاع یافتیم که ما موران دستگاه های امنیتی ج ۱۰، ضمن مصادره اموال شخصی تود های های دربند، از جمله روی یک گنجینه بزرگ فرهنگ ایرانی دست گذاشته اند: دست نوشته چهارده اثر چاپ نشده رفیق احسان طبری بقیه در صفحه ۱۰

پیام تبریک هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور بمناسبت برگزاری هجدهمین بلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران

احزاب، سازمانها و محافل دمکراتیک و مترقی سراسر جهان:

"محاکمه افسران میهن دوست و توده ای های دربند در بی دادگاههای نظامی را متوقف کنید!"

ادامه برپائی دادگاه های فرمایشی افسران آزادی خواه و توده ای های دربند موجب اعتراض و همبستگی جهانیان را برانگیخته است. این اعتراضات که به وسیله تلگراف، تلفن، نامه و پیام به اطلاع سردمداران ج ۱۰ می رسد، همچنان بی پاسخ مانده است. ما موران حکومتی سفارت - خانه های ج ۱۰ در کشورهای مختلف با برخورد معتراضات که به وسیله تلگراف، تلفن، نامه و پیام بقیه در صفحه ۵

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده ای!

دیوان بلخ

بقیه از صفحه ۱

از آنجا که تا کنون هیچ قانون و مقررات جدید دادرسی و کیفر ارتش برای اطلاع عموم در رسانه های گروهی انتشار نیافته باید نتیجه گرفت از قوانین و مقررات سابق استفاده می شود. در این صورت "دادگاه انقلاب اسلامی ارتش" لزوماً "قانون دادرسی و کیفر ارتش" مصوب خرداد ماه ۱۳۳۹ را رهنمود عمل خود قرار داده است. متأسفانه باید گفت سران ج ۱۰ حتی موازین مندرج در این قانون ارتجایی را هم در جریان محاکمه افسران میهن دوست نادیده گرفته اند.

شاید گفته شود، اسلام قوانین دادرسی ویژه خود را دارد. این ادعا ناصحیح است. در اسلام اصول محاکمات مدون وجود ندارد و تا زمانیکه چنین قوانین و مقررات، تدوین و تصویب و اعلام نگردیده این محاکمات غیر قانونی اند. زیرا یکی از اصول عمده جزائی مورد قبول در سراسر جهان حاکی از اینست که هیچ جرم و مجازاتی بدون قانون قبلی نمی تواند به قوم پیوسته. این اصل، برای نخستین بار از طرف فاشیست ها در آلمان هیتلری زیر پا گذارد شده. هیتلر دستیارانش می گفتند: هیچ جرمی نیست، که مجازات نشود. حکام شرع درج ۱۰ نیز از این نظر فاشیستی پیروی می کنند. بدینسان قربانیان رژیم از هیچگونه تضمین قانونی دادرسی و دفاعی برخوردار نیستند.

«محارب و مفسد فی الارض»؟!

۱- آقای اتاپکی دادستان دادگاه نظامی «مجازات» محارب و مفسد فی الارض را برای متهمین از ریاست دادگاه تقاضا کرده است. «محارب و مفسد فی الارض» اصطلاحی کتدار و نامفهوم و بی حد و مرز است. از تاجا تچیان مواد مخدر گرفته تا مخالفین سیاسی شخصیت های ج ۱۰ «محارب و مفسد فی الارض» محسوب می شوند و جزایشان اعدام است. موانگی تا کنون در هیچ يك از قوانین مصوب و اعلام شده مجلس شورا هیچ گونه تعریفی از این اصطلاح نشده و معیار و ملاک تشخیص اینکه چه کسی می تواند «محارب و مفسد فی الارض» باشد، ارائه نگردیده است.

دادستان دادگاه نظامی در جریان محاکمه دومین گروه از افسران میهن دوست به ماده ۱۹۲ قانون حدود و قصاص استناد کرد و گفت که گویا عمل این گروه با ماده نامبرده منطبق است و آنان «محارب و مفسد فی الارض» اند. (اطلاعات، ۲۸ آذر ماه ۶۲).

از دو حال خارج نیست: یا دادستان دادگاه نظامی از محتوای «قانون حدود و قصاص» و مقررات آن «که متن کامل تصویب شده آن در شماره ۳۰ شهریور ماه ۱۳۶۲ روزنامه «اطلاعات» انتشار یافته بی خبر است و یا بی پروا دروغ می -

محرماند و بدین طریق آزادی دفاع از آنان سلب گردیده است. دادستان ضمن ارائه کیفرخواست يك سلسله مسائل قضائی و شرعی را به عنوان حقوق دان فقیه مطرح می سازد، که متهمین از آن ها بی خبرند. به همین سبب قانون اساسی ج ۱۰ حق انتخاب وکیل مدافع را برای متهمین ملحوظ داشته است.

در اصل ۳۴ قانون اساسی ج ۱۰ گفته می شود «دادخواهی حق مسلم هر فرد است» و اصل ۳۵ صریحاً خاطر نشان می سازد:

«در همه دادگاهها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانائی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن ها امکانات تعیین وکیل تعیین گردد».

آیا عدم مراعات این اصل از قانون اساسی در مورد افسران میهن دوست جز قانون شکنی نام دیگری دارد؟

این که سران رژیم مانع انتخاب وکیل مدافع می شوند، تصادفی نیست. آنها بهتر از هر کسی می دانند که اتهامات سرهم بندی شده توسط مزدوران سیانی و ساواکی در خدمت ج ۱۰ پیشیزی ارزش ندارد. آنها واقفند که در صورت شرکت وکیل مدافع انتخابی، «اسرار» پشت دیوارهای فراموشخانه های به نام «دادگاه های انقلاب» به خارج درز خواهد کرد. علت جلوگیری از حضور وکلای مدافع، ناظران، پزشکان و روزنامه نگاران داخلی و خارجی در جلسات دادگاه نیز ناشی از ترس حیوانی سران رژیم از افکار عمومی ایران و جهان است. آنها فقط در دادگاه های سرپسته می توانند به مقاصد شوم خود نائل آیند و هر چه دل تنگشان خواست، بگویند و هر آنچه مصلحت دیدند در ورق پاره های ج ۱۰ منتشر سازند.

متهم شاهد

۱- قانون شکنی در بیدادگاه های رژیم به جایی رسیده که رئیس دادگاه و دادستان از متهمین به عنوان شهود در دادگاه استفاده می کنند. آوردن دیگر متهمین برای شهادت به دادگاه نه تنها برخلاف اصول قضائی، بلکه با موازین اخلاقی و از جمله اخلاق اسلامی مغایرت دارد و از لحاظ مشروعیت نیز خدشه دار است. این همان شیوه ایست که فاشیست های هیتلری به کار می بردند.

به موجب قوانین و مقررات قضائی امکان مواجهه دادن این و آن متهم وجود دارد، ولی او حق ندارد به عنوان شاهد در امور دادرسی دخالت کند. زیرا، اولاً معلوم نیست که متهم را تحت چه شرایطی وادار به شهادت کرد هانند و ثانیاً هر متهمی می تواند برای تیرنه خود دیگری را متهم سازد. بنابر این شهادت متهم که دینفع در عمل است، ارزش قانونی ندارد. حتی در قانون حدود و قصاص گفته می شود، اتهام وارد به شهادت گومرد عادل و یا یک مرد عادل بود و زن عادل ثابت می شود. صرف نظر از مضمون ارتجایی این

بقیه در صفحه ۱۵

گوید. زیرا ماده ۱۹۲ این قانون مربوط به «حد قذف» و موارد چهارگانه آنست و در این ماده درباره «محارب و مفسد فی الارض» سخن به میان نیامده از این رو استناد دادستان دادگاه نظامی فاقد پایه قانونی است.

رئیس دادگاه یا دادستان؟!

۳- یکی از اصول مسلم دادرسی، که حکام شرع نیز بدان واقفند، رئیس دادگاه را از اظهار نظر تا پایان دادرسی منع می کند. نادیده گرفتن این اصل یعنی به ابتدال کشاندن جریان دادرسی.

رئیس دادگاه فقط پس از استماع اتهامات مطروحه از جانب دادستان و شنیدن دفاع متهمین و شهادت شهود می تواند و باید قضاوت کند. ولی در این بیدادگاه نظامی، هم رئیس دادگاه و هم دادستان نقش واحدی را ایفا می کنند، که مخالف با اصول دادرسی است. مثلاً حجت الاسلام ری شهری، رئیس «دادگاه انقلاب اسلامی ارتش» در نخستین جلسه دادرسی افسران میهن دوست، پیش از آنکه دادستان موارد اتهام را باز گو کند، خطاب به متهمین اظهار داشت:

«ما در اینجا اینها را به عنوان يك فرد نظامی و ارتشی نمی شناسیم و به عنوان ارتشی محاکمه نمی کنیم، زیرا مردم مسلمان ایران، این افراد را به عنوان خائن و جاسوس می شناسند و با همین عنوان نیز محاکمه می شوند.» (اطلاعات، ۱۶ آذر ماه ۶۲).

آیا اینست محتای «عدل اسلامی» که به مردم وعده می دهند؟ این چگونه دادگاه و دادرسی است، که رئیس آن بدون شنیدن موارد اتهام، بدون استماع دفاع متهمین، حکم محکومیت افراد بی گناه را صادر می کند؟ چگونه می توان این صحنه سازی بی شرمانه را «دادرسی» نام گذاشت؟ آیا ادامه کار دادرسی پس از این اظهارات رئیس دادگاه، می تواند قانونی تلقی گردد؟ اگر متهمین ارتشی نیستند، به چه علت در دادگاه نظامی محاکمه می شوند و فرق بین دادگاه نظامی و دادگاه عادی چیست؟

می گویند: جوهر دین، محبت است و شیوه پیامبر اسلام ترمی و مهربانی بود. آیا رئیس دادگاه نظامی به این روایت باور دارد؟ آیا او که با قساوت و بی رحمی ویا بهره گیری از شیوه های مطرود فاشیستی، قبل از شروع دادرسی حکم محکومیت صادر می کند، خود «محارب و مفسد فی الارض» نیست؟

سلب حق انتخاب وکیل

۴- متهمین از حق انتخاب وکیل مدافع

تظاهرات اعتراضی علیه برپایی دادگاههای فرمایشی افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران در خارج از کشور

هامبورگ

بسته و انجام آنها در دادگاههای عادی علنی با حضور ناظران بین المللی

هواداران سازمان قداثیان خلق ایران (اکثریت) و سایر نیروهای مترقی، تظاهراتی علیه دادگاه



برلن غربی - تظاهرات نیروهای مترقی علیه دادگاههای فرمایشی در ایران

روز ۲۱ دسامبر (۳۰ آذر) ، از طرف " سازمان حزب کمونیست آلمان " ، " اتحادیه دانشجویان مارکسیست " و " سازمان جوانان کارگر سوسیالیست " ، تظاهراتی در اعتراض به تشکیل دادگاههای نظامی علیه افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران ، در شهر هامبورگ ترتیب داده شد .

تظاهر کنندگان که به چند صد نفر بالغ می شدند ، ضمن حمل مشعل و پلاکارت هایی که روی آن شعارهایی علیه تشکیل دادگاههای نظامی و تضيیقات اعمال شده در مورد حزب توده ایران و سایر مبارزان ضد امپریالیست در ایران نوشته شده بود ، به طرف محل کنسولگری چ ۱۰ در هامبورگ به راه افتادند .

در طول مسیر راه پیمائی ، اعلامیه ای در این زمینه بین مردم پخش شد و گروهی از آنسان ، ضمن امضای طومار اعتراضی ، همبستگی خود را با زندانیان توده ای و علیه محاکمات در بسته نظامی ایران کردند .

در محل تجمع ، مقابل سرکنسولگری ، قطع نامه ای از طرف تظاهر کنندگان خوانده شد ، که

های فرمایشی در ایران در برلن غربی ترتیب داده شد .

شرکت کنندگان در تظاهرات ، ضمن حمل پلاکارت هایی که بر روی آن شعارهایی از جمله " محاکم نظامی فرمایشی علیه تودهای هاغیرقانونی است " ، " به پیگرد و سرکوب میهن دوستان در ایران پایان دهید " و " گسترده یاد همبستگی بین المللی با تودهای ها و سایر دمکرات های دریند " به طرف محل کنسولگری ایران در این شهر حرکت کردند . در طول مسیر راه پیمائی ، قطعنامه ای که از طرف سازمانهای شرکت کننده در مراسم تهیه شده بود ، بین مردم پخش گردید و هنگام اجتماع تظاهر کنندگان در مقابل ساختمان سرکنسولگری ، از طرف شرکت کنندگان در مراسم ، به مقامات مسئول ایرانی تحویل داده شد . تظاهر کنندگان با دادن شعارهایی " زندانی تودهای آزاد باید گردد " " مترجمین حاکم افشاء باید گردند " ، " تودهای قهرمان آزاد باید گردند ، پیوند با آمریکا افشاء باید گردد " ، پراکنده شدند .

در قطعنامه فوق ، از جمله برگزاری دادگاه های نظامی علیه تودهای ها به مثابه آخرین صحنه سازی سیاه برای قتل عام آنان اشاره شده و از جمله آمده است :

" هیچ انسان آگاهی ، در فرمایشی بودن دادگاهها و این که احکام از پیش صادر

بقیه در صفحه ۱۵



هامبورگ - تظاهرات اعتراضی علیه تشکیل دادگاههای نظامی فرمایشی در ایران

۳- لغو ممنوعیت حزب توده ایران .
این مراسم ، ضمن دادن شعارهایی مبنی بر تأیید مفاد قطعنامه از طرف اجتماع کنندگان ، پایان پذیرفت .

برلن غربی

روز دوشنبه ۱۲ دسامبر (۲۱ آذر) ، به ابتکار هواداران حزب توده ایران و با حمایت

در آن ضمن برشمردن همبستگی بین المللی محافل دمکرات ، ضرورت تشدید اقدامات جهت نجات جان این قربانیان توطئه شوم امپریالیسم و ارتجاع ، ذکر گردیده و در پایان خواستهای زیر مطرح شده است :

- ۱- پایان دادن به شکنجه نیروهای دمکرات و ضد امپریالیست در ایران
- ۲- قطع فوری محاکمات در دادگاههای در-

تفسیری از پراودا:

این کار به سود چه کسی است؟

در دادگاه نیروهای مسلح ج ۱۰۱۰، محاکمه افسران میهن دوست، عضو به اصطلاح سازمان مخفی حزب توده ایران و برخی از فعالان لیسن حزب آغاز شده و ادامه دارد.

این محاکمه، به دنبال دستگیری تودهایها، که در سال ۱۹۸۳ صورت گرفت، بر پا شده است. این گونه که پیداست سازمان دهندگان این محاکمه، با وجود شکنجه های مخفیانه و فشاری که در مورد بازداشت شدگان اعمال شده است، هنوز هم مدارکی برای تأیید اتهامات پوچی که در مورد حزب توده ایران اقامه می شود، در دست ندارند.

دادگاه نیروهای مسلح معرف و مشخص (کننده) شرایطی است که در ایران به وجود آمده است. بر شدت فعالیت های جنون آمیز جاسوس سازی و "جاسوس ترسی" و ترور جسمی و روانی هر چه بیشتر انفرود می شود. محافل راستگرای تندروی تهران، در پی بهانه های که باعث تیره شدن مناسبات شوروی و ایران گردیده هر اقدامی، متوسل می شوند. عمل مفسده جویانه دیگری هم انجام می گیرد که این بار، ارگان های قضایی ایران، به عنوان مجری آن انتخاب شده اند. تلاش می شود ثابت شود که گویا مشرین در جمع آوری اطلاعات جاسوسی در پاره ایران شرکت کرده بودند، اطلاعاتی که جنبه سیاسی و نظامی داشته و گویا بعداً این اطلاعات توسط حزب توده ایران در اختیار اتحاد شوروی گذاشته می شد. بی اساس بودن این گونه اراجیف و ساخته های فکری، عیان و آشکار است. نه حزب توده ایران و نه هیچ سازمان دیگری، هیچ گونه اطلاعات جاسوسی و نظامی در اختیار اتحاد شوروی نمی گذاشته است. این گونه شیوه ها، اصلاً برای احزاب کمونیست و ماهیت جنبش کمونیستی بیگانه است. متهم ساختن این و آن به عملیات جاسوسی به سود اتحاد شوروی، جزو وسایل سنتی است که در رجنه ارتجاع امپریالیستی فراوان وجود دارد. ارتجاع امپریالیستی درک می کند که نیروهای کمونیستی در خدمت بیدریغ و فداکارانه به مردم خویش می کوشند. ارتجاع امپریالیستی علاوه بر اعمال ترور و تهمینات، یکی از شیوه های ایراد لطمه به موقعیت و مواضع احزاب کمونیست و تضعیف ایمان زحمتکشان به کمونیست ها را که به خاطر تأمین آزادی و سعادت ملت ها از نیرو و ایثار جان خود نیز دریغ نمی ورزند، آن می دانند. به بگوشند توده های مردم را در مورد میهن دوستی کمونیست ها بد بین کنند و کمونیست ها را اشخاصی قلندار سازند که گویا به کشورهای بیگانه خدمت می کنند. محافلی که موجبات این

محاکمه مضحك در تهران را فراهم کرده اند، نتوانستند جز توسل به این شیوه که مدتهاست از اعتبار افتاده، شیوه جالب تری ساخته و پرداخته کنند.

ولی این فقط یک جنبه مسئله است. محاکمه نمایشی در پایتخت ایران به منزله حلقه دیگری از زنجیر توطئه های مفسده جویانه علیه اتحاد شوروی است که سرویس های ویژه غرب و پیش از همه سازمان های جاسوسی - اطلاعاتی آمریکا زمینه آن را، یکی پس از دیگری فراهم می سازند. این محاکمه فرمایشی، بخشی از جنگ صلیبی مقامات واشنگتن علیه سوسیالیسم و تمام نیروهای دموکرات و ترقی خواه جهانی است. دولت ریگان ضمن تلاش برای اینکه به این جنگ صلیبی جنبه همه گیر و عمومی ببخشد از تمام وسائلی که در اختیار دارد، استفاده می کند.

نیروهای معینی در ایران هم دست به کار شده، در این جنگ صلیبی شرکت دارند. و به این حقیقت مسلم کوچک ترین توجهی نمی کنند که چنین پیوند و اتحادی با منافع ریشه ای مردم ایران مغایرت دارد.

امپریالیسم آمریکا از تلاش برای متزلزل ساختن مواضع رژیم کنونی در ایران دست نکشیده و همچنان امیدوار است، ایران را زیر سلطه کامل خود در آورد. گروه های ارتجاعی، که مخالف اصلاحات اجتماعی و اقتصادی هستند - اصلاحاتی که توده های مردم پس از انقلاب سال ۱۹۷۹، انقلاب ضد شاه منتظر آنها بودند - تمام هم خود را به کار می برند تا ثمرات این انقلاب را نابود کنند. عناصر تندرو سعی می کنند رژیم کنونی را در راه تعصب کورکورانه و محو کامل آزادی های دموکراتیک در ایران سوق بدهند و کشور را به دوران زورگویی و خودسری ببندند و پاری که یکی از خصایص رژیم مستبد شاه بود، باز گردانند.

علت لشکر کشی علیه حزب توده ایران آن است که ارتجاع این حزب را نیرویی می داند که با شجاعت و به نحوی بیگیر در راه تأمین استقلال واقعی و پیشرفت ایران مبارزه می کند. هزاران تن از بهترین فرزندان حزب توده ایران شهید شده اکنون ارتجاع می کوشد، نور این شفق را خاموش سازد. تیر جلاده، بار دیگر جان میهن دوستان واقعی را تهدید می کند.

بنا به اعتراف دادستان کل ایران، تا اواسط سال ۱۹۸۳، بیش از ۸۵۰۰ تن از اعضای حزب توده ایران بازداشت شدند. محاکمه فرمایشی کنونی در دادگاه نظامی تهران، گام دیگری در راه پیشرفت اهداف ارتجاع سیاه و دواته، یعنی سرکوب و به خون کشیدن جنبش مردم است. این حوادث پس از انقلابی روی می دهد که با

شمار استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی آغاز شده بود.

دامن زدن برآتش هیستری ضد کمونیستی در ایران، با تشدید تبلیغات ضد شوروی توأم است. در جلسه دادگاه نظامی، شخصیت های رسمی از جمله رئیس دادگاه و دادستان و دیگران ادماهای باطل، دروغین و غیر مجازی در مورد اتحاد شوروی ایراز می کنند. از قرار معلوم، منظور از این جوش و تلاهای تبلیغاتی پرهیاهوی ضد شوروی، تحریک هیج، خصومت نسبت به اتحاد شوروی در میان مردم ایران است که طبیعتاً با اعتراضات مردم شوروی مواجه می شود. طرف شوروی، هیچ بهانه ای به ایران نداده است تا بر اساس آن، اقدامهای مغایر با منافع ایران به اتحاد شوروی نسبت داده شود. کشور شوروی در ایران در جستجوی هیچ حق و امتیازی برای خود نبوده و نیست. عدم مداخله در امور داخلی و احترام به حق حاکمیت و استقلال و گسترش مناسبات دوستی و حسن همجواری، اصول دائمی و بلا تغییر سیاست اتحاد شوروی در مورد ایران بوده و هست.

یکی از اهداف صحنه سازی های محاکمه در تهران، همچنین فراهم آوردن بهانه برای مخالفین و دشمنان دیگر جنبش های رهائی بخش است. محافل محینی در تهران، در حقیقت امر با تبلیغات کین توزانه به دولت واشنگتن پیوسته اند که منظور از آن تلقین ادعای پیوج عوام فریبانه است که گویا اتحاد شوروی تلاش می کند با استفاده از سازمان های کمونیستی، نیروهای مسلح کشورهای رشد یابنده را به آلتی جهت مداخله در امور دیگران سوق دهد. اما هر کسی که عقل سلیم دارد، بی اساس بودن این گونه ادعا های باطل را درک می کند. طبیعی است که چنین خرابکاری های سیاسی به حق، موجب خشم و انزجار مردم شوروی، کمونیست ها و همه کسانی می شود که در راه آزادی ملت ها می رزمند.

رهبران ایران خوب می دانند که اتحاد شوروی در واقع نسبت به کشور همسایه خود که مرز آن با کشور ما ۲۵۰۰ کیلومتر امتداد دارد، چه احساساتی دارد. اتحاد شوروی به هیچ وجه قصد ندارد روابط خود را با همسایه جنوبی و خصیم سازد. بلکه برعکس، تمام امکانات و کوشش خود را به کار می برد تا این روابط به سود طرفین ادامه یابد. بدین جهت مردم شیون شوروی امیدوارند، نیروهای معینی در ایران به تبلیغات افترا آمیز و ردیالانه علیه اتحاد شوروی که سرباها دروغ و بی اساس است خاتمه بدهند. در غیر این صورت مسئولیت این جریان، تماماً به گردن محافل رهبری این کشور خواهد بود.

مرگ بر امپریالیسم جهانخواه آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

احزاب، سازمانها و محافل دمکراتیک و مترقی سراسر جهان: "محاكمة افسران میهن دوست و توده‌ای‌های در بند دربی دادگاههای نظامی را متوقف کنید!"

بقیه از صفحه ۱
های غیر مسئولانه خود، عملاً سیاست سرکوبگرانه و ضد قانونی سردمداران ج ۱۰ را توجیه می‌کنند. با این حال صدای اعتراض احزاب، سازمانها و محافل دمکراتیک و مترقی سراسر جهان، هر روز اوج تازه‌ای می‌گیرد. "راه توده" برای اطلاع خوانندگان خود به چاپ بخشی از این اعتراضات مبادرت می‌ورزد:

آن را دنبال کنند.

● روز یکشنبه ۲۷ نوامبر (۱۶ آذر)، مرادیو محلی شهرستان مون پلیم، به پخش برنامه‌ای از طرف "کمیته دفاع" اقدام کرد، که قریب به یک ساعت و نیم به طول انجامید.

زندانیان، به افشای برگزاری دادگاه‌های نظامی علیه توده‌های پرداخته و خواست خود مبنی بر محاکمه علنی آنان و تضمین شرکت ناظرین بین‌المللی در جلسات دادگاه را مطرح نمود. است "کمیته دفاع"، همچنین با مراجعه به انکار عمومی مترقی، همبستگی علنی آنان را با اهداف کمیته طلب کرده و به ویژه بر خواست اعزام هیئتی، مرکب از پزشکان و حقوق دانان بین‌المللی، جهت بازدید زندانیان و بررسی وضع آنان از نزدیک، که ماهها است توسط محافل آزادی‌خواه جهان مطرح گردیده ولی تا امروز از

بریتانیا
۲۶ نوامبر، به ابتکار کمیته دفاع از انقلاب ایران در گلاسکو، جلسه‌ای به مناسبت همبستگی

دانمارک
کمیته اجرائی و گروه پارلمانی حزب چپ سوسیالیست دانمارک، در تاریخ ۱۲ دسامبر (۲۱ آذر)، ضمن مخیره تلگرافی خطاب به رئیس ج ۱۰، نسبت به تشکیل محاکمه افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران در دادگاههای درسته نظامی، شدیداً اعتراض نموده و پایمال کردن موازین حقوق بشر را آنهم به صورتی چنین خشن و وحشیانه، محکوم کرد ماند. آنان همچنین، خواستار شده اند که به کمیته‌های بین‌المللی، مرکب از حقوق دانان و خبرنگاران، اجازه نظارت بر جلسات محاکمه داده شود و حکم اعدام در مورد هیچیک از "متهمین" صادر نگردد.



● جوانان سوسیال دمکرات دانمارک در تاریخ ۲۲ دسامبر (اول دی) طی نامه‌ای که به سفارت ج ۱۰ در کپنهاگ ارسال داشتند، مقامات مسئول سفارت‌خانه را در جریان تلگرافی که در تاریخ ۱۶ دسامبر خطاب به ریاست ج ۱۰ تهیه شده بود قرار دادند که متن آن چنین است: "بدین وسیله علیه محاکمه اعضای حزب توده ایران در دادگاههای نظامی در بسته، که از جمله خلاف اصل ۳۵ قانون اساسی ج ۱۰ نیز هست، شدیداً اعتراض می‌کنیم و بر پائی این محاکمات را که در آن، حق دفاع از متهمین سلب گردیده و ناظران بین‌المللی اجازه شرکت در جلسات آن را ندارند، محکوم می‌سازیم."

با حزب توده ایران با حضور جمع کثیری از فعالین جنبش کارگری، جنبش ضد نژاد پرستی، سازمان ضد استعماری "استقلال" و نیز جنبش مترقی زنان انگلیس، نمایندگان نیروهای مترقی آسیا و آفریقا و خبرنگاران مترقی برگزار گردید. سخنران اصلی جلسه، فرانک دیویس، مسئول کمیته دفاع گلاسکو، برایان فیلینگه، نماینده سازمان "استقلال" در منطقه و رهبر جنبش ضد نژاد پرستی اسکاتلند و از مبارزین به نام جنبش کارگری بریتانیا و نماینده سازمان هواداران حزب توده ایران در بریتانیا بودند که تحلیل‌هایی در مورد اوضاع خطرناک جهانی، بقیه در صفحه ۱۵

جانب نمایندگی‌های دولت ج ۱۰ در خارج از کشور، بدان پاسخ مثبتی داده نشده پافشاری نموده است.

شخصیت‌های برجسته سیاسی فرانسه از جمله ژرژ سگی، دبیر اسبق سندیکای ت.و.ت. و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه پیشین خود را از خواستهای مطرح شده در بیانیه اعلام کرده‌اند.

● بولتن اطلاعاتی سندیکای ت.و.ت. در مون پلیمه نیز به درج خبر برگزاری جلسه "کمیته دفاع از زندانیان توده‌ای" پرداخته و از کلیه اعضای خود و نیز سندیکای وابسته، دعوت به عمل آورده است که ضمن شرکت در کمیته، فعالیت‌هایی

فرانسه
"کمیته دفاع از توده‌های و سایر دمکرات‌های در بند" در مون پلیمه، طی برگزاری جلسه عمومی، خود با حضور نمایندگان گروه‌های سیاسی، اجتماعی، سندیکاها و دیگر شخصیت‌های مترقی، بیانیه‌ای انتشار داد که در آن، پس از توضیح رویدادهای مربوط به بازداشت و شکنجه

با گسترش موج همبستگی بین‌المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

بحران اقتصادی و سیاسی در میهن ما بازتاب تحکیم مواضع رژیم سرمایه داری وابسته در ایران است!

بقیه از صفحه ۱

وابستگی صنعتی، افزایش سریع واردات کالاهای مصرفی و محصولات کشاورزی در عین کاهش بی وقفه صادرات و بالاخره تکیه مطلق بر درآمد نفت برای ادامه حیات اقتصادی کشور، نشانه بارز تعمیق بحران در جمهوری اسلامی است (ویژه نامه " راه توده " ص ۷) .

نارضایتی دم افزون توده ها و رشد جنبش های اعتراضی و مقاومت سازمان یافته و خود به خودی مردمی در مقابل سیاست های ضد مردمی و ایران پر بادده حاکمیت ج ۱۰ و بازتاب آیین نارضایتی در حاکمیت، که به صورت تشدید در گیری های درونی آن و تشدید بی ثباتی و بلا تکلیفی و هرج و مرج در نهاد های حکومتی و همچنین تسلط استبداد قرون وسطائی و نیاز روز افزون حاکمیت به سرکوب فاشیستی نیروهای انقلابی در عین " حفظ وحدت " ظاهری به ضرب ارباب - مظاهر گوناگون بحران سیاسی است، که سراسر نظام حکومتی ج ۱۰ را در بر گرفته است . در هفته های گذشته آیت الله خمینی یکبار دیگر برای دفاع از ارتجاع حاکم خود را ناگزیر در مخالفت دیده و فرمان " منع انتقاد از دولت " را صادر کرد . لیه تیز آیین " فرمان " - اگر چه با گله گذاری هایی خجولانه از زیاده خواهان راستگرا نیز همراه است - متوجه کسانیست، که " همه چیز یادشان رفته الا اینکه گرانی و کمبود وجود دارد (صبح آزادگان - ۲۷ آذر ۶۲) کسانی که خود را مدافع " عدالت اسلامی " می نامند، و با وجود آنکه با محورهای اساسی سیاست دفاع از منافذ کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان مخالفتی نشان نمی دهند، اما نارضایتی خود را از تسلط همه جانبه جناح غالب حاکمیت، بسا واکنش های گوناگون از استیضاح دولت تا مخالف خوانی های نطق های پیش از دستور مجلس و نمازهای جمعه پنهان نمی کنند . این مخالف خوانان دنباله رو در " انتقادات " خویش معمولاً به اظهارات آیت الله منتظری استناد می کنند، که چندی پیش اظهار کرده بود:

" در دنیا مثل معروفی شایع است که انقلاب فرزندان خود را می خورد و من امسروز احساس می کنم که در جامعه ما همین جریان به وجود آمده و می توان گفت که به قول امروزی ها یک کودتای خزننده و تدریجی برای از بین بردن فرزندان اصیل انقلاب و منزوی نمودن آن ها به وجود آمده و وضعی پیش آمده که به تدریج افراد مستقی و آزاد، که هم تصهد به اسلام و هم سابقه انقلابی و قد اکاری داشتند و از طرفی هم ماعقل و با کفایت می باشند در معرض خطر حذف و انزوا

قرار گرفته اند و به نظر من این يك خطر بزرگی است متوجه انقلاب و کشور . . . " (جمهوری اسلامی - ۲۴ آذر ۶۲) .

یکی از نشانه های تعمیق بحران سیاسی ج ۱۰ آنست که فرمان تهدید آمیز آیت الله خمینی بر خلاف عتاب و خطاب های پیشین در دفاع از ارتجاع حاکم - از جمله در بهمن ۶۱ و خرداد ماه ۶۲ - به سکوت گورستان در جناح مقابل نمی انجامد . و آنان همچنان به مخالف خوانی های خویش ادامه می دهند :

" آقایان اقتصاددانشگاهی را اقتصادی مطلوب و اسلامی می دانند و اپایی هم ندارند . رسماً می گویند، آمریکا سیاستش امپریالیستی است اما اقتصادش اسلامی است " (اخلاقی نیا - نماینده سیرجان - ۳ دی ماه ۶۲ اطلاعات) .

علیرغم این کشمکش های دامنه دار میان جناح های مختلف حاکمیت، ارتجاع آستانیسوس امپریالیسم، پیشروی خویش را با هدف شکستن کامل انقلاب ادامه می دهد و لذا انتقادات سازشکارانه و دنباله روانه در درون حاکمیت، قادر به شکستن بن بست انقلاب نیست .

در شرایطی که جنبش مطالباتی و اعتصابی کارگران رشد می کند، مقاومت دهقانان در برابر بازگشت فئودالها، به تخلیه روستاها و زندانی شدن دهقانان می انجامد و نارضایتی زحمتکشان شهری به صورت تظاهرات خشونت آمیز خود به خودی جلوه می کند، و مقاومت سازمان یافته سراسری دورنمای سیاسی نوینی می یابد، این انتقادات پیش از پیش در خدمت فریب و سردرگی توده ها و کند کردن روند جدائی آنان از حاکمیت در می آید .

جبهه متحد خلق تنها ضامن نجات انقلاب است!

تاریخ این رسالت را بار دیگر پر دوش همه نیروهای اصیل و راستین انقلابی و وفادار به آرمانهای ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب شکوهمند بهمین نهاده است . فقط اتحاد این نیروها، صرف نظر از عقاید سیاسی و مذهبی آنان است که می تواند جنبش اعتراضی و مقاومت توده ها را سازمان دهد و رهبری کند . " روی داد هیئتی کشور بار دیگر این حقیقت را عیان می سازد، که بدون اتحاد عمل نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ضد امپریالیستی، مبارزه علیه ارتجاع حاکم و امپریالیسم نمی تواند به نتیجه مطلوب برسد . حزب توده، ایران ازید و تأسیس خود کوشش فراوانی برای اتحاد نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ضد امپریالیستی به عمل

آورده است . حزب ما به ویژه به همکاری تاریخ نیروهایی که زیر پرچم مبارزه برای استقلال ملی آزادی، پیشرفت اجتماعی و زندگی بهتر بسرا زحمتکشان مبارزه می کنند، اهمیت زیادی قائم است .

مخالف ارتجاعی مسلط در حاکمیت با تمه قوا می کوشند از ایجاد تفرقه در میان نیروها سیاسی مترقی و انقلابیون مذهبی به سود تشیی موقعیت خود و احیای مواضع امپریالیسم، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان استفاده کنند . د چنین شرایطی اتحاد نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ضد امپریالیستی اعم از سیاسی و مذهبی در جبهه متحد خلق، عامل تعیین کننده و وثیق اساسی پیروزی در نبردی است که اکنون میان

نیروهای انحصار طلب و قشری از يك سو و نیرو های خلق از سوی دیگر در جریان است (آیینها، پلنوم هجدهم - ویژه نامه - ص ۹) . در این شرایط حساس و سرنوشت ساز تاریخ انقلاب رفح سو، تافه ها میان پیروان سوسیالیسم علمی و نیروهای اصیل انقلابی مسلمان از جمله سازمان مجاهدین خلق ایران از اهمیت ویژه ای برخوردار است . چنین است که پلنوم هجدهم حزب توده، ایران یادآور می شود: " برخی سو، تفاهات و نیز تند روی ها در مناسبات متقابل حزب توده، ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران مشکلاتی را پیش آورد که در مجموع به زیان نهضت ضد امپریالیستی مردم میهن ما ختم شده، پلنوم بخوان تجدید نظر مثبت در این روابط است و به هیئت سیاسی توصیه می کند در راه ایجاد روابط سالم و سازنده بسا سازمان مجاهدین خلق ایران به مثابه یکی از نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی در جبهه اتحاد همه نیروهای انقلابی و میهن پرست کوشش نماید " .

شکل گیری این اتحاد بزرگ انقلابی، بدون شك موجب آن خواهد شد، که مبارزه مسلمانان انقلابی راستین که همچنان به آرمان های انقلاب وفا دارند، به انکای اتحاد با نیروهای انقلابی اصیل ایران دورنمای امیدبخشی پیدا کند . " مسلمانان مبارزی که در شهر و روستا نقش مهمی در پیروزی انقلاب داشتند و همچنان در پی دستیابی به استقلال، آزادی، و عدالت اجتماعی هستند بدون تردید، جای شان در اتحاد بزرگ نیروهای انقلابی خواستار تحقق این آرزو است " (اسناد پلنوم هجدهم - ویژه نامه، ص ۹) .

راه نجات انقلاب شکوهمند بهمین جز این نیست .

مردم قهرمان کوبا، بیست و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب خود را جشن گرفتند!

پیشرفت اقتصادی کشور را پایه ریزی می‌کنند. رشد اقتصادی سال گذشته کشور که رقم ۵ درصد را نشان می‌داد، چنانکه در پلنوم اخیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا اشاره شده است در نتیجه فعالیت ثمر بخش کارگران و زحمتکشان کوبانی به دست آمده است. بنا به مصوبات این پلنوم، قرار است رشد اقتصادی، علیرغم تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی امپریالیسم، تأثیر بحران اقتصادی جهان سرمایه‌داری و شرایط دشوار اقتصادی در اوائل سال جاری، پایه کارگیری اهرم‌های ثمر بخش اقتصادی، بالا بردن بقیه در صفحه ۱۶

کوبای انقلابی، به چراغ راهنمای مبارزان نیکارگوتهای، نیروهای خلقی السالوادری و تمام کسانی بدل شده است که برای احیاء حقوق انسانی خود و تأمین حداقل سطح زندگی و علیه سلطه جوئی و زور گوئی امپریالیسم آمریکا با رژیم‌های دست‌نشانده آن مبارزه می‌کنند. مردم کوبا، زحمتکشان این کشور با کسار و کوشش طاقت‌فرسای خود توانسته‌اند، علیرغم محاصره و انواع و اقسام تضيقات اقتصادی و فشارهای سیاسی، و با کمک برادران و یاری‌های بی‌دریغ کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنان اتحاد شوروی، بنیان مادی

مردم کوبا اول ژانویه ۲۵-مین سالگرد پیروزی انقلاب خود را با شکوه تمام برگزار کردند. شهر سانتیاگو کوبا، که مارش پیروزمندانه نیروهای انقلابی کوبا، تحت رهبری فیدل کاسترو برای تسخیر هاوانا از آنجا آغاز شد، مرکز جشن‌های مردمی بدین مناسبت بود. فیدل کاسترو، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا در میتینگ عظیمی که در این شهر برپا شد سخنرانی کرد.

او در سخنان خود یادآور شد که اولین سخنرانی خود را پس از انقلاب در همین نقطه ایراد کرده بود. فیدل کاسترو سخنرانی خود را به اراشه بیلان پیروزی‌های انقلاب سوسیا لیستی در "جزیره آزادی" اختصاص داد. وی گفت:

"در سالهای پس از انقلاب، نه تنها برنامه انقلاب ۱۹۵۳، که با یورش به پادگان مونکالدو آغاز گشت، تماما عملی شده بلکه انقلاب به دستاورد های والاتری نیز نائل گشته است: خلق کوبای دولتی سوسیالیستی، یعنی پیشرفته ترین نظام اجتماعی - اقتصادی که جامعه بشری به خود دیده است را در قلب نیم کره غربی بنا نهاده است."

کوبای سوسیالیستی که با مبارزات قهرمانان همسرزمین فیدل کاسترو و با پشتیبانی و جان فشانی مردم کوبا استقرار یافت و با کسار و سازندگی مستمر زحمتکشان کوبانی قوام گرفت به پایگاه صلح و ترقی و کمک به جنبش‌های آزادی بخش ملی در آمریکای لاتین و حتی هزاران کیلومتر فراتر از آن، در آفریقای بیدار بدل شده است.



ژانویه ۱۹۵۹ - فیدل کاسترو به هنگام ورود گردان‌های انقلابی به هاوانا

رد پای خونین سازمان «سیا»

شورای اسلامی ایران:
"قدرت انقلابیون مسلمان افغانستان هم از ایران است، که اگر ایران نبود معلوم نبود چه بر سر آنها می‌آمد!"

این اعتراف آقای رفسنجانی زمانی صورت گرفته است که با تزلزل رژیم پاکستان وظیفه "پدرخواندگی" برای ضد انقلابیون افغانی، به تدریج به عهده ج ۱۰۱۰ قرار می‌گیرد. با توجه به کمک‌ها و پشتیبانی‌های آشکار سیاسی و مادی آمریکا از این باند‌های ضد انقلابی، ناگفته پیداست که ج ۱۰، در راستای سیاستی گام بر می‌دارد که مورد پسند امپریالیسم آمریکاست. آمریکا ظرف پنج سال گذشته، ۲۸ میلیون دلار کمک مالی به ضد انقلابیون رسانده است. در سال جاری نیز حکومت ریگان ۳۰۰ میلیون دلار دیگر به این منظور اختصاص داده است. علاوه بر امپریالیسم آمریکا، سایر دولت‌های غربی نیز امکانات مالی و نظامی در اختیار ضد انقلابیون افغانی قرار می‌دهند. مثلاً آلمان فدرال ۶۰ بقیه در صفحه ۱۶

نخستین اردوگاه‌هایی از این دست در پاکستان ۱۹۷۸ (۱۳۵۸) ایجاد شد و تا پایان سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) نزدیک به چهار هزار نفر از راهزنان مسلحی که در این اردوگاه‌ها آموزش دیده بودند، به داخل افغانستان سرازیر شدند. اکنون در پاکستان بیش از یکصد اردوگاه از این نوع وجود دارد.

در ایران نیز، به رغم پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی آن و با وجود آمیدی که به تحکیم وحدت میان این دو انقلاب می‌رفت، پایگاه‌های افغانی‌های ضد انقلاب پرپاگشت و دخالت سردمداران ج ۱۰ در امور داخلی افغانستان که از ابتدای انقلاب آغاز شده بود، پس از تثبیت هر چه بیشتر ارتجاع در حاکمیت روز بروز افزایش یافت و اکنون به حدی رسیده است که به اعتراف حجت‌الاسلام رفسنجانی، رئیس مجلس

از نخستین روزهای پس از انقلاب شوروی ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) افغانستان، دشمنان داخلی و خارجی این حکومت نوین، به منظور سرنگونی دولت قانونی جمهوری دموکراتیک افغانستان و بر سر کار آوردن رژیم کهن استبدادی که مشافع غرب را تأمین کند، خرابکاری‌های گسترده‌ای را آغاز کردند.

دستور آغاز عملیات همه جانبه بر ضد افغانستان و از آن جمله تشکیل دستمهای ضد انقلابی و تسلیح آنها با سلاح‌های مدرن، از سوی کارتر، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا صادر شد. پاکستان به عنوان ستاد عملیات جنگ اعلام نشده بر ضد افغانستان دموکراتیک برگزیده شد و کسروه گروه متخصصان سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا)، ایجاد اردوگاه‌ها و پایگاه‌هایی به منظور تربیت راهزنان مزدور را در آنجا آغاز کردند.

گفتگو بایکی از مسئولین "انجمن همبستگی" به مناسبت تصویب قانون "شورای اسلامی

کارگران تنها با ایجاد تشکیلات مس

سرمایه داران و حامیان آن

در مورد تصویب طرح تشکیل شورای اسلامی کارگران، در این شماره از "راه توده" به بحث پرداخته شد. این مطلب در شماره پیشین این مجله به مناسبت تصویب قانون اساسی در ۲۲ بهمن ۱۳۶۲ در شماره ۱۲۲ "راه توده" درج شد. در این شماره به بحث در مورد تصویب قانون اساسی و شورای کارگران پرداخته شد. در این شماره به بحث در مورد تصویب قانون اساسی و شورای کارگران پرداخته شد. در این شماره به بحث در مورد تصویب قانون اساسی و شورای کارگران پرداخته شد.

به نظر انجمن همبستگی هرگونه شرایط محدودکننده که ورود کارگران میباید آگاه را به شکل های صنفی دشوار و یا غیرممکن سازد قابل قبول نیست. کارگران زحمتکش ایران، همواره خواهان چنین حقی بودند. ولی "طرح تشکیل های اسلامی کار" و از جمله ماده ۲ آن این حق را از کارگران و زحمتکش گرفته و همه را مجبور به رعایت مقررات دولتی کرده است، به همین دلیل است، باز هم تکرار می کنم این قانون جز دولتی کردن سندها های کارگری، منظور دیگر ندارد.

س. لطفا نظر خود را در باره اختیارات مجمع عمومی کارکنان که در این آمده است، بیان کنید؟

س. نظر شما در مورد عدم تطابق موادی از این طرح با آنچه در قانون اساسی در مورد آزادی و دموکراسی آمده است چیست؟ آیا شما در این زمینه نیز مغایرتی ملاحظه می کنید؟

ج. مجمع کارکنان، که در این طرح جای مجمع اعضای شکل صنفی کارگری زحمتکش را گرفته است، در حقیقت بالاترین ارگان تصمیم گیری در مورد مهم تر مسائل آن شکل است. مجمع اعضای می تواند اساسنامه انجمن را تغییر دهد. حق عضویت تعیین کند.

ج. دقیقا! تیل از اینکه به این سوال جواب بدهم، لازم می دانم اصولی چند از قانون اساسی را در اینجا بازگو کنم تا معلوم شود تصویب کنندگان این طرح، تا چه حد از روح قانون اساسی فاصله گرفته اند. به موجب اصل بیست و سوم قانون اساسی: "تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به مسرف داشتن عقیده های مورد مواخذه قرار داد."

لیکن می بینیم که مواد بسیاری در این طرح، دست مجمع عمومی کارکنان را بست است. ماده ۱۲ طرح فوق تشکیل مجمع عمومی کارکنان را سالی یک بار الزامی دانسته است. قانون گذار در حقیقت با تصویب این ماده مخالفت صریح خود را کرد همایی مستمر کارگران اعلام می کند. کارگران بدون هیچ تردیدی برای رسیدن به امور صنفی خود و سایر مواردی که به آن اشاره کردم حق دارند خودشان در مورد تصمیم بگیرند، از فعالیت های هیئت مدیره آگاه گردند، نام در جریان پیشرفت و یا پس رفت امور قرار گیرند و سرانجام در مورد مسائل مطروحه تصمیم گیری کنند. بنا بر این تشکیل مجمع عمومی آنهم سالی یک بار به هیچ وجه در برگیرنده منافع کارگران نیست.

اصل نهم قانون اساسی می گوید: "هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند." حال ببینیم مصوبین این طرح چه گلی به سر کارگران زده اند. در ماده ۲ درباره شرایط عضویت در شورا آمده است: "عدم گرایش به احزاب و سازمان ها و گروه های غیر قانونی و گروه های مخالف جمهوری اسلامی."

مطابق تبصره ۱ همین ماده، تشکیل مجامع عمومی فوق العاده نیز به هر حد منوط به کسب اجازه از شورای مافوق است. این دیگر نشان دهنده بی اعتمادی کامل به کارگران و زحمتکش و نقض آشکار حقوق آنان است در حالی که کارگر بیشتر از هر کسی در رسیدگی به امور خودشان ذینفعند، اختیار برگزاری مجامع عمومی مطابق این طرح، از مجمع کارکنان گرفته شده و به ارگان های دیگری تفویض شده است.

یعنی کارگری که مورد اعتماد سایر کارگران است و احیانا گرایش خاصی به سازمان های سیاسی مرفی دارد، حق عضویت در شورا را ندارد. به زبانی ساده آنچه را که مطابق قانون اساسی "هیچ مقامی" حق سلبش را ندارد، خلیسی راحت زیر پا گذاشته اند. این معنایش اینست که اگر نماینده مورد اعتماد کارگران به منظور احقاق حق کارگران جرأت کند کلمه ای بر علیه خط حاکم، بر علیه حزب حاکم، بر علیه افراد وابسته به این حزب، بر علیه قوانین ضد کارگری بگوید یا حتی انتقاد کوچکی هم بکند، که بیان واقعیت باشد، لابد این طور تعبیر می شود که حتما به یکی از گروه های "غیر قانونی" گرایش، دقت کنید گرایش دارد و لذا صلاحیت عضویت در شورا را ندارد. تازه این همه جریان نیست. در اینجا قانون گذار با حقهای دیگر دو کلمه "غیر قانونی" و "مخالف" را جلدی از هم به کار می برد تا همه راه را به روی کارگران ببندد، تا غل و زنجیر را به پای کارگران محکم تر کند، تا زیر پا گذاشتن قانون اساسی را کامل کند و هیچ گونه امکانی برای ابراز عقیده آزاد کارگران باقی نگذارد، تا انحصار طلبی را بدان حد برساند، که نمایندگان شورا را به ایزاری اراده انجمن های اسلامی، متبدیل کند.

ماجرای به این جا ختم نمی شود. در ماده ۴ طرح آمده است: "شورا صورت انحراف از وظایف قانونی خود، به تشخیص شورای مافوق منحل می گردد." او دست شورای مافوق در مورد تفسیر "وظایف قانونی" خیلی باز است و به دلپد کشد از بودن مسئله، شورای مافوق می تواند هر زمان که اراده کند این شوراها منحل اعلام کند. ثانیا این منحل کردن خودسرانه یعنی بی احترامی به کارگران و زحمتکشانی، که این افراد را انتخاب کرده اند. اگر واقعا نظر خیریه د کار است باید سعی شود تا در تمام موارد، مجمع عمومی حرف آخر را بزند. اگر خطائی صورت گرفته باشد این کارگران و زحمتکش هستند، که بیش از همه از این خطاها صدمه خواهند دید و بنا بر این خود آنها بیشترین نفع را در تصحیح این خطاها خواهند داشت.

راستی چرا اینان این گونه آزادی های صریحه در قانون اساسی را ندیده می گیرند؟ چرا این همه وا همه از کارگران و تشکیلهای آزاد آنان در مملکت ما وجود دارد؟ چگونه است کسانی که شعار حمایت از مستضعفان گوش قلك را کرده، تحمل هیچ دگراندیشی را در تشکیلهای کارگری ندارند؟ هیچ توجیهی برای این مسائل وجود ندارد، جز آنکه انحصار طلبان ضد کارگر حاکم بر حیات کشور، خواهان بسط این انحصار طلبی به درون تمام ارگانهای مردمی هستند، تا آنان را از درون بی محتوا کنند. اینان خواهان قانونیت بخشیدن به اختناق، خواهان فشردن گلوئی کارگران، این کسانی که زمانی "ستون انقلابشان" می نامیدند، با جنگال تفتیش عقاید هستند، تا اگر نمایند های حرف حق را زد و گفت مستضعف مستضعف تر شده و مستکبر مستکبر تر فوراً او را مورد اذیت و آزار قرار دهند. آنها با گذاشتن چنین شرطی در این ماده در حقیقت کاری می کنند تا فقط کسانی بتوانند عضو این شوراها شوند، که یا به حزب حاکم وابسته باشند یا بالاخره مورد تأیید آنها، کسانی که همواره به چه بگویند، لب فرو ببندند و دم نزنند. این همان چیزی است که من به عنوان نقض صریح آزادی های سیاسی و اصول مربوط به آن در قانون اساسی تلقی می کنم.

در مجامع عمومی است که یا نمایندگان کارگران به اشتباه خود بی خواهند ببرد و در صدد دفع آن ها بر می آیند یا مجمع عمومی آنها را عوض خواهد کرد. اگر حکومت واقعا مردمی و طرفدار کارگران باشد، دیگر تیزی به بلند کردن جماعت علیه کارگران نخواهد داشت. بد نیست من در اینجا شیوه هایی که ما در انجمن همبستگی به کار می بریم یاد آوریم - در مجامع عمومی انجمن همبستگی، تمام کارگران عضو فارغ از هرگونه قید و شرطی و بدون در نظر گرفتن تعلق سیاسی، مسلکی، مذهبی و قومی دور هم جمع می شوند و آزادانه حرفهای خودشان را می زنند، به سخنان دیگران گوش می دهند و دست آخر این مجمع عمومی است که در مورد این مسائل تصمیم گیری می کند. ماده ۵ نیز در ادامه ماده ۴، اصل را بر انحلال شوراها گذاشته و محق بودن شوراها را مشروط به رای دادگاه کرده است. در صورتی که از نظر کارگران و زحمتکشان اصل همواره بر محق بودن شوراها است و آنها برای اثبات خطا و نه انحلال است، که باید دادگاه تشکیل شود. جالب تر از این ها ماده ۷ است که در حقیقت قدرت کودتایی به

جلس:

بخش سوم (آخر)

ما می توانیم ارتش خود را در مقابل حاکمیت سازمان دهند!

شورا می‌دهد. در این ماده آمده است:

"سلب عضویت هر يك از اعضای شورا، یعنی بر تخلف از وظایف قانونی و یا فقدان شرایط مذکور در ماده ۲ به پیشنهاد د و محوم مجموع اعضا"، با تأیید شورای مافوق امکان پذیر خواهد بود."

به زبان ساده یعنی اگر تصادفاً علیرغم تمام موانع موجود در مواد قبلی طرح، یکی از نمایندگان واقعی کارگران به این شورا راه یافت و یا احیاناً خواست به قول این آقایان شیطنت کند و بند و بست های پشت پرده را برای کارگران افشا کند، آنگاه باقی اعضا، شورا به راحتی می‌توانند با همکاری شورای مافوق و نه مجمع عمومی، که وی را انتخاب کرده است، او را برکنار کنند. آیا بیشتر از این می‌توان تعابیر گمان کارگران را معزول کرد و برای حرف کارگران پیشیزی ارزش قائل شد؟!؟

من ضمن تشکر از شما به خاطر شرکت در این مساعبه، آخرین سوال خود را به این صورت مطرح می‌کنم که با تصویب این طرح آیا باید انتظار داشت، که قوانین ضد کارگری دیگری نیز به زودی در دستور کار مجلس قرار گیرند؟

ج. با روندی که در سال‌های اخیر در حاکمیت و رهبری ج ۱۰۱۰ در پیش گرفته شده است باید به این سوال شما پاسخ مثبت بد هم. خط کلی حاکم پیر این طرح و خط کلی حاکم دیر مجلس شورای اسلامی به هنگام شور دوم و تصویب این طرح، نشان دهنده آنست که سرمایه ایران و بزرگ مالکان طرفدار امپریالیسم توانمند هستند. خط ضد کارگری خود را در حاکمیت ج ۱۰۱۰ تثبیت کنند.

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ما در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، کارگران و زحمتکشان ایران به وضوح می‌دیدند که یکی از جنبه‌های مهم توطئه‌های امپریالیسم در ایران وادار کردن حکومت ج ۱۰۱۰ به اتخاذ سیاست‌های ضد کارگری بود تا از این طریق انقلاب را از بزرگترین پشتوانه‌اش، محروم کند. ولی علیرغم تمام مسائل و مصائب، این کارگران و زحمتکشان ایران بودند که در عمل ثابت کردند ستون‌های اصلی انقلابند و حکومت با تکیه بر آنان و در عین حال دفاع از منافع برجح آقایان می‌تواند هیچ تردیدی، توطئه‌های امپریالیسم را یکی پس از دیگری خنثی کند. کارگران و زحمتکشان در طول این مدت با تحمل تمام سختی‌ها و کمبودها هیچ گاه حاضر نشدند قدمی علیه حکومت بیرحمانه از انقلاب بردارند. کارگران در تمامی زمینها، از محاصره اقتصادی امپریالیستی گرفته تا جنگ تحمیلی و کارشکنی دشمنان انقلاب، همواره با فدکاری تمام در صف اول دفاع از انقلاب حضور داشتند. انقلابی که با نثار خون دهها هزار نفر از این زحمتکشان و فرزندان غیر آنان به شمر رسید. محرومین و کوششگران ما می‌دیدند که دشمنان طبقه کارگر و انقلاب در لباس نماینده رژیم در دولت موقت بر علیه کارگران موضع می‌گیرند، در شورای انقلاب به نام "انقلاب اسلامی" قوانین ضد کارگری تصویب می‌کنند. دولتی، که خود را حامی "مستضعفان" قلمداد می‌کند، یکی از دشمنانک ترین قوانین ضد کارگری جهان را طرح می‌کند. کارگران و زحمتکشان همه این‌ها را می‌دیدند ولی همچون کوه در مقابل تمام این دسایس امپریالیستی و ارتجاع داخلی ایستادند. ایستادند تا از انقلابی که با خون دل به شمر رسانند، حراست کنند و به آن بسته از نمایندگانی، که داعیه دفاع از آنان را داشتند، بفهمانند که این آنانند که وارثان اصلی انقلابند و باید با تکیه بر حمایت وسیع و همه جانبه آنان و جامسه عمل پوشاندن به خواسته‌های آنان، توطئه‌های امپریالیسم را خنثی کرد.

ولی متأسفانه توطئه‌های امپریالیسم موفق شد بخش وسیعی از نیروهای موجود در حاکمیت ج ۱۰۱۰ و نیز رهبری آن را به تسلیم در مقابل فشارها و تهدیدهای امپریالیسم، سرمایه‌داران و زمین‌داران بکشاند و آنها به تعهدات خود پشت کردند. نتیجه این شد که گرچه دیگر الان بازگان هاو توکلی‌ها سکان حکومت را به دست ندارند ولی همان آقایانی که روزگاری برای مردم چهره‌های انقلابی محسوب می‌شدند وظیفه حقیق و ادامه راه بازگان‌ها و توکلی‌ها را به عهده گرفتند.

طرز فکر حاکم بر این طرح حاکمی از آنست که همان دید توکلی از قانون کار و بیمه‌های اجتماعی، در مجلس نیز حاکم شده است. چرا؟ چون مثلاً ما شاهد غایب بودن پیمان دستجمعی در این طرح هستیم. پیمان دستجمعی یکی از بزرگترین دستاوردهای جنبش کارگری جهانی است و به همین دلیل در پیش‌نویس

قانون کار آقای توکلی و شرکا، بنی شده بود. انعقاد پیمان دستجمعی یکی از مهم ترین وظایف انجمن‌های صنفی کارگران در انجمن های صنفی هر ساله با توجه به نرخ تورم و هزینه زندگی سعی می‌کنند سطح دستمزدها را تا حد مقدور بالا ببرد و تعادلی از این نظر بین افزایش سرسام آور قیمت کالاها و دستمزدها ایجاد کنند. البته پیمان‌های دستجمعی می‌توانند عوامل دیگری از جمله سانسات کار، مرخصی، پاداش آخر سال، اخراج و غیره را نیز در بر گیرند. اگر انجمن‌های صنفی کارگری و از جمله شورا‌های محصل این طرح از این حق مهم محروم شوند، چیز زیادی برای گفتن نخواهند داشت.

نکته مهم دیگر مسئله اخراج‌هاست که در طول ۵ سال بعد از انقلاب، همواره یکی از مهمترین مسائل مطروحه در گرد همایی‌ها و کنفرانس‌های کارگری بوده است. ایجاد این اخراج‌ها آنقدر وسیع بوده است، که خانه کارگر ناگزیر شده است فقط در مورد اعضای اخراجی شوراها و انجمن‌های اسلامی صندوق کفک تأسیس کند. در این شرایط مجلس شورای اسلامی، به جای آنکه با این مسئله برخورد ریشه‌ای بکند، فقط آن را به یک درجه بالاتر حواله می‌دهد. طبق طرح شورا‌های مصوب مجلس تصمیم نهائی در مورد اخراج کارگران با شورای اسلامی کار منطقه است. یعنی به زبان ساده، همان شورای حل اختلاف منطقه، یعنی جائیکه نمایندگان کارفرمایان اکثریت دارند. مگر در ۵ سال اخیر چند درصد کارگران اخراجی کارخانجات و موسسات دیگر از طرف شورای حل اختلاف برگشت به کار گرفته‌اند، که اکتیوون این شورا بتوانند حلال مشکل اخراج‌ها باشد؟

کارگران و زحمتکشان، که بجای اخراج هر دم زندگی آنها را تهدید می‌کند، پاسخ این سوال را خوب می‌دانند. کلمه اخراج که به سادگی از دهان مقامات رژیم ادا می‌شود، در حقیقت نقطه پایانی است بر بسیاری از زندگی‌ها، اخراج یعنی بیکاری، یعنی گرسنگی خود و زن و فرزندان کوچک و بزرگ، اخراج یعنی رشد بیماری، یعنی افزایش مرگ نوزادان و کودکان خردسال، اخراج یعنی رشد نسفاد در جامعه و بالاخره اخراج یعنی تثبیت باز هم بیشتر حاکمیت ارتجاع و تشویق امپریالیسم به مداخله بیش از پیش در ایران. با روندی که در پیش گرفته شده است و جوی، که در مجلس هنگام تصویب این طرح، مشاهده شده، به نظر نمی‌رسد که در آینده هم قدمی در راه از بین بردن این مسئله خانمان برانداز از جانب مقامات گرفته شود.

نکته مهم دیگری که دلالت بر حلول روح توکلی در این قانون دارد اینست که، این طرح در مورد اعتصاب، که یکی از مهمترین حریم‌های طبقه کارگر در مبارزه بسا سرمایه‌داری جهت تحقق خواسته‌های خود است سکوت کرده است. از این سکوت می‌توان چنین استنباط کرد، که مجلس شورای اسلامی، حق اعتصاب را برای کارگران و زحمتکشان به رسمیت نمی‌شناسد و احتمال این که در آینده هم بشناسد کلاً بسیار ضعیف است. تجربه ۵ سال اخیر به کارگران نشان داده است، که پس از آن که با فشار توده‌های مردم، دولت موقت لیبرال‌ها از کار برکنار شد و پنی صدر از ریاست جمهوری ساقط شد، حاکمیت ج ۱۰۱۰ و مشخصاً رهبری آن این فرصت را داشتند که دیگر از سیاست دادن شعارهای انقلابی دست برداشته و برای نمونه هم که شده گامی اصلی در راه دفاع از کارگران و مستضعفینی، که این همه سنگشان را به سینه می‌زنند، بردارند. ولی اینها نه تنها از این فرصت‌های تاریخی استفاده نکردند، بلکه با دعوت از کارگران به قبول این‌تکنه، که در "انقلاب اسلامی" تضادی بین کارگران و کارفرمایان وجود ندارد و همه برادر هم دیگر هستند باعث شدند تا جیب سرمایه داران و بازاری‌ها پرتراز پیش شود. حالا دیگر بدون هرگونه پرده پوشی حکومت از قبل رئیس مجلس با افتخار عنوان می‌کنند که ۰۰۰ میلیونها تومان در دست بخش خصوصی است و از زبان دولتش ایراز می‌دارد، که به بخش خصوصی اجازه سرمایه‌گذاری در صنایع کلیدی تا هفت میلیارد تومان داده شود و این درست برابر سهم دولت در این بخش از صنایع است. صنایعی که مطابق قانون اساسی و به منظور جلوگیری از غارت بی‌بند و یار سرمایه‌داری قرار میدکلا در دست دولت باشد! با همه این‌ها واقعا خیلی "گستاخی" می‌خواهد که انسان باز هم شعار دفاع از مستضعفان را بدهد. ولی باید به این آقایان گفت که دیگر حنیاشان رنگی ندارد و کارگران و زحمتکشان هرگز غریب نخواهند خورد. کارگران ما همواره به

پیام تبریک هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور بمناسبت برگزاری هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران

گام بزرگی که پلنوم هجدهم در راه انسجام بخشیدن به صفوف حزب توده ایران برداشته است بدون تردید لطمه‌ای جدی به کوشش‌های دشمن در جهت پراکنده ساختن صفوف حزب است. اقدام شجاعانه پلنوم برای آغاز احیای سازمان‌های حزبی در ایران ملهم از یک اصل لنینی است که دبیر اول کمیته مرکزی سازمان‌ها نیز بر آن تأکید ورزیده است، و آن این است که: "حتی در سیهانه‌ترین شرایط پلیسی و فاشیستی باز هم می‌توان و باید از موجودیت و فعالیت حزب انقلابی، حزب طبقه کارگر در سطح کشور پیروزمندانه دفاع کرد."

موضع پیگیری انترناسیونالیستی حزب توده ایران به وضوح و روشنی در مصوبات پلنوم هجدهم انعکاس یافته است. این امر مثبت محکی بر دهان آنهاست که می‌خواهند انقلاب و انقلابیون ایران را از جبهه ضدامپریالیستی در سطح جهان و در رأس آن اردوگاه سوسیالیسم جدا سازند. نقشه رژیم برای بازداشتن انقلابیون ایران از وفاداری به جبهه انقلاب جهانی با شکست کامل و مفتضح روبرو شده است و این یک وجه دیگر از موفقیت چشمگیر هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران است.

پلنوم هجدهم باردیگر به اثبات رساند که مشی حزب توده ایران برای دستیابی به اهداف انقلاب ضدامپریالیستی و دیکراتیک، یعنی تلاش و مجاهدت بی‌دریغ در راه اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و در نهایت تشکیل جبهه متحد خلق یک مشی تغییرناپذیر است.

این همه، به خوبی نمایانگر اهمیت فوق‌العاده‌ای است که برگزاری موفقیت‌آمیز هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در این شرایط دشوار که میهن و انقلاب ما از سر می‌گذراند، حائز است.

اینک کمیته مرکزی حزب توده ایران وظیفه خطیر رهبری حزب را بر عهده داشته و فعالیت انقلابی خویش را با توانمندی ادامه می‌دهد. بی‌شک همه مبارزان توده‌ای در داخل و خارج از کشور به دور کمیته مرکزی حزب خود حلقه خواهند زد و در راه اجرای بی‌خدشه تصمیمات، رهنمودها و دستورالعمل‌های آن خواهند گام برداشت. ما در این راه برای رهبری و تمام اعضا و هواداران حزب توده ایران از صمیم قلب آرزوی موفقیت می‌کنیم.

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت) در خارج از کشور

بیش از پیش اهداف طراحان این جنایت آشکار شده است.

دشمن می‌خواست موجودیت سازمانی، سیاسی و ایدئولوژیک حزب طبقه کارگر را ریشه کن سازد. امپریالیسم ضد انقلاب و راستگرایان به حزب توده ایران به مثابه مانعی در راه اجرای نقشه‌های پلید خود علیه انقلاب ایران می‌نگرند. آنها می‌خواستند حزب توده ایران آنچنان کویده و منفرد شود که راه و سیاست آن بلافاصله بماند. رژیم جمهوری اسلامی ایران که خود به اهداف انقلاب پشت کرده است چنان نمایش رعب‌آوری از شلاق و شکنجه و سرکوب به راه انداخت تا دیگر هیچ کس جرأت نکند پرچی را که حزب توده ایران ۴۲ سال است به دوش می‌کشد در دست گیرد.

لکنون با برگزاری پلنوم تاریخی هجدهمین کمیته مرکزی حزب توده ایران می‌بینیم که ایسن مقاصد شوم هرگز تحقق نخواهند یافت. تلاش امپریالیسم و ارتجاع برای ریشه کن ساختن حزب توده ایران محکوم به شکست است. هنوز یک سال از آغاز یورش به صفوف حزب نگذشته است که پلنوم هجدهم، اینک صفحات درخشانی از نیرومندی حزب توده‌ها را رقم می‌زند.

به مناسبت برگزاری موفقیت‌آمیز هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور صمیمانه‌ترین تبریکات خود را به همه اعضا و هواداران حزب توده ایران، به همه انقلابیون و میهن پرستان واقعی و به طبقه کارگر و زحمتکشان ایران تقدیم می‌دارند.

هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در شرایطی برگزار گردید که امپریالیسم و متحدان و دوستانش در ایران با بکارگیری همه امکانات خود، از زندان و شکنجه و اعدام گرفته تا جمل و دروغ و فریب، به صفوف حزب توده ایران، حزب پیگیرترین میهن پرستان ایران، هجوم آوردند. هزاران رزمنده توده‌ای در زندان‌های جمهوری اسلامی تحت شدیدترین شکنجه‌های جسمی و روحی قرار دارند. دفاع از اندیشه‌های که حزب توده ایران از آن پیگیرانه دفاع می‌کند رسماً جرم محسوب می‌شود. کلیه امکانات تبلیغاتی رژیم برای پخش اکاذیب و جعلیات علیه حزب به کار افتاده‌اند. با گذشت ۱۱ ماه از آغاز این یورش ناجوانمردانه، اینک

جنایتی هولناک علیه دانش، فرهنگ ایرانی و زبان فارسی

بقیه از صفحه ۱

گنجینه سترگ فرهنگی و ادبی و علمی محسورم شده‌اند. ابعاد عظیم این فاجعه، به سختی در تصور می‌گنجد. آنچه که ناپود شده نه تنها برای مردم ایران، بلکه برای تمام بشریت مترقی ارزش والایی دارد و به جرئت می‌توان گفت ایسن جنایت نابخردانه به فرهنگ مشترک جامعه بشری، لطمه وارد آورده است.

بی‌خردان حاکم که مولف این آثار را نیز به سیاهچال‌های زندان اوین انداخته‌اند و بر اثر شکنجه‌های شدید جسمی و روحی او را به لب پرتگاه نابودی کشاند، مانند خوب می‌دانسته‌اند که حتی اگر مولف از نو آزاد هم شود، دیگر قادر به خلق مجدد این آثار نیست، زیرا دیگر سال‌های فعال زندگی را پشت سر گذاشته است.

باید مقیاس فاجعه آمیز این جنایت عظیم را به مردم ایران و دیگر کشورها نشان داد. باید کاری کرد که نکبت این عمل زشت، دامنگیر حاکمیت مرتجعان سانسور و ریساکاران بی‌فرهنگ شود. باید همه جهانیان از این جنایت هولناک آگاه گردند.

در زمینه‌های گوناگون علمی و ادبی و فلسفی و همچنین شعر متعهد و انقلابی فارسی. ایسن کتاب‌های پر ارزش حاصل دهها سال تفکرو تعقل و بررسی‌ها و پژوهش‌های علمی و تاریخی و ادبی آفریننده فیلسوف، تاریخ‌دان، زبان‌شناس، شاعر و ... آنهاست که البته به مردم ایران و نسل‌های کنونی و آینده این سرزمین تعلق دارد. اما حکام مرتجع ج ۴۰ که از دانش و فرهنگ مترقی، موافق حکمت عامیانه، ما چون جسن از بسم الله می‌ترسند، چنین جنایات هولناکی را مرتکب شده‌اند تا خصومت کور و بیمار گونه خود را با هر آنچه از ارزش‌های معنوی و بالنده بشر - خوردار است، عیان سازند. بی‌شک چنین جنایتی دل هر ایرانی میهن دوست و علاقمند به دانش و فرهنگ ایرانی و زبان فارسی را عمیقاً در درد می‌آورد. این جنایتکاران مرتجع و نادان دستور داد‌مانند دست‌نوشته‌ها را در آب ریخته و به صورت خمیر در آورند تا دیگر کسی به این گنجینه فرهنگ اصیل ایرانی دسترسی پیدا نکند. به این ترتیب مردم ایران و جهان از دستیابی به ایسن

سردمداران ج.ا. همچنان اعتراضات گسترده سازمانها و محافل مترقی جهان را به بازداشت های غیرقانونی زنان دمکرات نادیده می گیرند

ما هها از بازداشت غیرقانونی زنان مبارز میهن ما ، کسانی که جز بهر روزی زحمتکشان و استقلال سرزمینشان آرزائی نداشتند می گذرد و در این مدت احزاب ، سازمانها و محافل مترقی جهان يك لحظه هم از مطرح کردن خواست به حق آزادی آنان از بند درنگ نکرده اند .

حکومتی که این زنان ایثارگر را به بند کشیده است با گستاخی بی شرمانه ای ، که ویژه رژیم های دیکتاتوری است ، کماکان در مقابل این خواست انسان دوستانه آزادی خواهان جهان بی اعتنا است و در برابر پافشاری آنان ، جهت اعزام هیئتی که بتواند از زندانیان د پدارو حقایق آنچه را که در پشت دیوارهای قطور سیاهچالها می گذرد بر ملا سازد ، تنها به عکس العملهای نا بخردانه و عاری از هرگونه احترام به موازیسن و قراردادهای بین المللی دست می زند . غافل از اینکه هرگز خورشید برای همیشه در پس پر نمی ماند و تاریخ نشان داده است ، که حتی سفک - ترین رژیم های دیکتاتوری دنیا نیز سرانجام در مقابل اراده متحد مردم به زانو درآمدند .

موج گسترده همبستگی با دمکراتهای زندانی در ایران ، خاموش شدنی نیست و سیل نامه ها و تلگرامهایی که به مقامات ج.ا. ارسال می گردد و فعالیت های اعتراضی بشر دوستان جهان ، همچنان ادامه دارد . در زیر گوشه ای از این ابراز همبستگی ها و اعتراضات را می خوانید :

" تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " و سایر دمکراتهای در بند اعلام نمودند ، درخواست اعزام کمیسیونی بین المللی مرکب از پزشکان و حقوق دانان به ایران ، به منظور افشای حقایق که در سیاهچالهای بی نام و نشان ج.ا. بر زندانیان می گذرد ، پافشاری کرده اند .

اسامی این سازمانها بدین قرار است :
 • کمیته دمکراتیک زنان • حزب سوسیال دمکرات شعبه گوتینگن • حزب کمونیست آلمان در گوتینگن

روز ۱۲ دسامبر (۲۱ آذر) ، متن کامل فراخوان " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " را در مورد آغاز محاکمات غیرعلنی علیه میهن دوستان و اعضای حزب توده ایران ، درج کرده است .
 در فراخوان ، پس از اشاره به قانون شکنی های رژیم ج.ا. و رفتار وحشیانه مأمورین حکومتی یا زندانیان ، بر لزوم اقدامات سریع و یکپارچه ، به منظور قطع دادرسی در دادگاه های درسته و جلوگیری از اعدام های برق آسا تأکید گردیده و تشکیل جلسات علنی محاکمات با حضور ناظران بین المللی و آزادی کلیه دمکراتهای در بند خواسته شده است .

فرانسه

به دنبال انتشار فراخوان " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " ، خطاب به افکار عمومی مترقی بین المللی در رابطه با تشکیل دادگاه های در بسته نظامی علیه نیروهای میهن دوست مبارز و اعضای حزب توده ایران و خواسته هایی که این سازمان جهت نجات جان زندانیان از خطر اعدام فوری مطرح کرده است ، " اتحادیه زنان فرانسه " در تلووز در تاریخ ۲۳ دسامبر (۲ دی) تلگرامی خطاب به مقامات مسئول سفارت ج.ا. در پاریس بدین مضمون مخابره نموده است :

" این اتحادیه ، با توجه به محتوی برنامه اش که احترام به حقوق بشر و حیثیت انسانی است ، از مقامات مسئول دولتی ایران می طلبد که جلسات محاکمات میهن دوستان و مبارزین ضد امپریالیست در این کشور در دادگاه های عادی انجام پذیرد ، ناظران بین المللی امکان شرکت در جلسات دادگاه را داشته و کلیه زندانیان دمکرات ، آزاد گردند ."

● اتحادیه ملی زنان فرانسه " در نیس ، طی مخابره تلگرامی به مقامات مسئول سفارت ج.ا. در پاریس ، مجددا نسبت به نقض حقوق بشر در ایران اعتراض نموده ، آزادی فوری زنان دمکرات زندانی را خواستار گردیده است .

● در پی گسترش موج همبستگی نیروهای مترقی سراسر جهان ، با زندانیان دمکرات و میهن دوست در کشور ما ، روز ۶ دسامبر (۱۵ آذر) ، " کمیته همبستگی با زنان دمکرات زندانی در ایران " ، با مسئولیت خانم اولین قلیوو در شهر تولوز تشکیل شد .

کمیته ملی فراخوانی از کلیه نیروهای آزادی خواه فرانسه دعوت کرد تا برای نجات جان بقیه در صفحه ۱۴



پاکستان

" سازمان دمکراتیک زنان پاکستان " به نام زنان مترقی این کشور ، طی انتشار بیانییه ای خواستار رفع تعصیقات از زنان دمکرات زندانی و به ویژه اعضای " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " و آزادی فوری آنان گردیده است .

این سازمان همچنین خواسته است که به شکنجه میهن دوستان و دمکراتهای زندانی پایان داده شود و " متهمین " از حقوق حقه زندانیان ، مطابق با موازین بین المللی ، از جمله حق دفاع از خود و انتخاب آزاد وکیل مدافع برخوردار باشند .

سازمان به ویژه بر امر اعزام هیئتی از پزشکان و حقوق دانان بین المللی به ایران ، جهت بررسی شرایط زندانیان از نزدیک تأکید ورزیده است .

● گروه کار زنان • اتحادیه دانشجویان مارکسیست • اتحادیه ضد فاشیست ها و کسانی که تحت پیگرد نازیها در آلمان قرار داشتند .
 ● حزب سبزها - شعبه گوتینگن نیز با اعضای کارت پستال اعتراضی به آدرس کمیته " ناپدید شدگان سازمان ملل در ژنو ، بازداشت و شکنجه زنان دمکرات زندانی و به ویژه اعضای " تشکیلات دمکراتیک " را شدیداً محکوم کرده ، از خواست محافل دمکرات مبنی بر اعزام کمیسیون بررسی پشتیبانی نموده و آزادی فوری زندانیان را خواستار گردیده است .

ایتالیا

" اونیتا " ، ارگان حزب کمونیست ایتالیا ،

آلمان فدرال

گروهی از سازمانهای مترقی گوتینگن ، ضمن امضای بیانییه ای ، همبستگی خود را با اعضای

در هفته ای که گذشت:

«شوروی را مطرح می کنند تا آمریکا منسی شود»

در دیداری که آیت الله خمینی با روسای سه قوه در هفته گذشته داشت با اشاره به اتحاد شوروی اظهار کرد:

«وقتی به سراغ آنها می رویم، می بینیم کرمین بدتر از آمریکا است و لنین و استالین و دنبال آن ها، که امروز هستند، با مردم بدتر کردند.»

مقایسه این سخن با جمله معروف «شوروی را مطرح می کنند که آمریکا منسی شود»، نشانه بارز تغییر موضعی است که در نظرات آیت الله خمینی ایجاد شده است و او را به مدافع منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان تبدیل ساخته است. در واقع سردمداران ج ۱۰، برای توجیه سیاست های خیانت بار خود ناگزیرند توجه افکار عمومی ایران را از دشمن اصلی خلق های ما، امپریالیسم آمریکا، منحرف سازند و هدف اصلی حمله خود را به سوی دشمنی «بدتر از آمریکا» و در راستای سیاست شوروی ستیزانه آمریکا، «میزان» کنند.

آنان ناگزیرند، هنگامی که بازار را به میدان داری دعوت می کنند، هنگامی که نقش اصلی به پیروزی رساندن انقلاب بهمین ۵۷ مردم ایران راه از آن پیروزی های سرمایه داران بزرگ و کلان سرمایه داران در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، صحت می گذارند و دیگران را از مقابلۀ لفظی با آنان نیز منح می کنند، هنگامی که نمایندگان پیروزی بوروکراتیک و حامیان اقتصادی آنان را به دست گرفتن اهرم های سیاسی و قانونگذاری فرا می خوانند و با اشاره به «نمایندگان بازار» در مجلس شورای ملی، گسیل کردن نمایندگان بازاریان را به مجلس شورای اسلامی طلب می کنند. در این شرایط ناگزیرند شوروی را مطرح می کنند تا آمریکا منسی شود. در این شرایط دیگر مردم و تأمین منافعشان مطرح نیستند تا دشمن اصلی آنان، آمریکا، زیر ضربه قرار گیرد. اینجا سرمایه داران بزرگ و کلان زمین داران و وابستگان به امپریالیسم جهانی، «قهرمانان واقعی قلمداد می شوند» ناگزیر دشمن اصلی آنان، اتحاد شوروی نیز باید مورد حمله قرار گیرد.

احیای وابستگی نظامی و تسلیحاتی به امپریالیسم برای پیروزی بر «صدام»: استراتژی نوین شوینبست های حاکم برج ۱۰.

در هفته گذشته، با اظهارات آقای هاشمی رفسنجانی، نماینده آیت الله خمینی در شورای

عالی دفاع، درباره ضرورت خرید «سلاح های دور برد قوی و مدرن» از قدرت های بزرگ، سیاست استمداد از امپریالیسم جهانی برای پیروزی بر « رژیم صدام»! وارد مرحله نویسی شد.

آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با روزنامه «کویتی» صورت الخلیج گفته اند: «در پنج سال گذشته ما قرار داد مهمی از نظر تسلیحاتی منعقد نکردیم و قدرت های بزرگ نیز تاکنون آمادگی فروش سلاح به ما از خود نشان ندادند.»

وی در همین مصاحبه به منظور رفع هرگونه شبهه در مورد «قدرت» های بزرگ که می توانند به ج ۱۰ اسلحه های دور برد بفروشند، اعلام می کند:

«همسایه ما شوروی ۵۰۰ دشمن ما را که با ما در حال جنگ است مسلح می کند» و استراتژی نظامی و تسلیحاتی نویسن شوینبست های حاکم برج ۱۰ را، چنین توضیح می دهد:

«کسی که قصد حمله دارد نیاز به سلاح های دور برد و با کاربرد قوی و مدرن دارد. ما تا کنون توجه خود را معطوف به این نوع سلاح ها نکردیم. ولی این دلیل نمی شود، که در آینده به فکر به دست آوردن این گونه سلاح ها نباشیم. به هر حال ما باید هنگام با مسلح شدن همسایگان خود حرکت کنیم. تا زمانی که همسایه های ما حرص و ولع خرید سلاح از خود نشان می دهند، ما هم باید این امر را در مدنظر قرار دهیم.»

آقای رفسنجانی که ظاهراً خود متوجه شباهت کامل اظهارات خویش با اظهارات شاه مدفون در این زمینه شده است، برای خاک ریختن به چشم خلقی که شاه را از جمله به خاطر همین سیاست نظامی ایران بر بادده سرنگون کردند ادامه می دهد:

«ولی به هر تقدیر به سطح برنامه های نظامی شاه نخواهیم رسید» (اطلاعات - ۳۰ آذر ۶۲)

در عرف سیاسی بین المللی، چنین اظهاراتی از سوی یک مقام عالی رتبه، جز به معنای استمداد از امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا برای فروش سلاح های استراتژیک به ج ۱۰ اسلامی نیست. رهبران ج ۱۰، اینک آشکارا از امپریالیسم جهانی تقاضا می کنند، که برای فروش سلاح های «دور برد و مدرن» به آنان نیز «آمادگی» نشان دهند.

با گذاشتن بر جای پای شاه ملعون و سادات معدوم، چنین است سرنوشت شوینبست هایی که راه حل مشکلات میهن ما را در «گرم نگاهداشتن» توسعه طلبانه «تنور جنگ» می بینند.

آمار سخن می گوید!

از آمار و ارقامی که گهگاه در لابلای صحبت ها و سخنرانی های مقامات مسئول ج ۱۰ و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ارائه می شود، می توان نتایج سیاست های فلاکت بار حاکمیت ج ۱۰ را در تمام عرصه های زندگی اجتماعی به عیان دید.

سخنرانی آقای نادری، نماینده نجف آباد در مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مجلس (اطلاعات، ۱۹ آذر ۶۲) حاوی چنین آمار است:

ما در زمینه اعمال سیاست «درهای باز» و افزایش بی حد واردات که عذتا به کالاهای مصرفی اختصاص دارد، بارها صحبت کرده ایم و با استدلال نشان داده ایم، که این امر تعمیق وابستگی و تبدیل کشور به بازار انحصارهای امپریالیستی را سبب می شود.

با این حال رویدادهایی که در میهن ما رخ می کنند، از واقعیات دیگری هم خبری می دهند که ابعاد این فاجعه را گسترش می بخشد. به عبارت دیگر حاکمیت ج ۱۰ با اعمال سیاست های خیانت بار خود، افزون بر تشدید وابستگی کشور به امپریالیست ها، در جهت بر باد دادن منابع مالی میهن ما نیز عمل می کنند.

طبق گفته آقای نادری، دولت ج ۱۰ تنها به علت تعویق تخلیه محتویات کشتی های لشکر انداخته در اسکله های جنوب کشور، سالانه ۲۰۰ میلیون دلار، حق تأخیر می پردازد، آن هم بسبب «بیگانگان»!

افزایش نقد ینگی «که ناشی از استقرار فزاینده از سیستم بانکی است اثرات مخربی در پی دارد، که می توان آن را در یک جمله سیاست سرمایه دار پروری حاکمیت ج ۱۰ نامید.» آقای نادری در این زمینه می گوید:

«در سال ۶۰ نرخ رشد نقد ینگی ۱۷/۸٪ بوده، که در سال ۶۱ این رشد به ۲۴/۲٪ رسیده و افزایش یافته است. یعنی تا پایان سال ۶۱ به ۶/۳۵۰/۷ میلیارد ریال بالغ گردیده است. اگر یازتر صحبت کنیم معنای استقرار از سیستم بانکی اینست که از ضعیف ترین افراد جامعه پول بگیریم و به سرمایه میلیاردی بیافزاییم.»

بعد از انقلاب بیش از ۶۰۰ میلیارد تومان به جیب بخش خصوصی کرده ایم و آنهم به تعداد افراد بسیار محدود، ولی اسم و رسم آنها معین نیست.»

و این محتوی تمام سیاست های رهبری ج ۱۰ است. در پیخ داشتن منابع مالی کشور از زحمت کشان و سپردن آن به بخش خصوصی. با انفصال این سیاست است، که «مستضعف، مستضعف تر می گردد، و مستکبر، مستکبر تر.»

گامی دیگر بر ضد زحمتکش!

مشکل مسکن همچنان یکی از معضلاتی است که مردم زحمتکش ما از آن رنج می برند. در شرایطی که عده کثیری از خانواده های بقیه در صفحه ۱۳

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

محروم از مسکن در حلی آبادها ، حصر آبادها ، و گودها بصری پرند ، در زمانی که زحمتکشسان ایران با درآمدی ناچیز ناچارند ، بخش اعظم آن را به عنوان اجاره بها به جیب مالکین سرازیر کنند و هر لحظه در انتظار بیرون ریختن اثاثیه خود از " ملک مورد اجاره " باشند حاکمیت ج ۱۰۱۰ با تصویب لایحه اصلاحی مالکیت و مستأجر تیغ براتری برگردن زحمتکشسان ایران می نشاند .

حزب توده ایران ، هنگامی که اصل لایحه تقدیم مجلس شد اعلام کرد :
" این لایحه چیزی نیست جز مساده واحد های در تأیید و تصویب مجدد قانون زمان طاغوت مصوب شهریور ۵۶ ، منتهی بدون استثنای های بند ۶ آن ."
این لایحه تنها دارای نکات منفی عدیده نیست ، بلکه اساس و کل برداشت آن علیه مستأجرین ، علیه کارگران ، کارمندان و دیگر اقشار زحمتکش جامعه ماست .

این لایحه نه مسئله اجاره بها و کرایه های کمر شکن را حل می کند و نه مسئله تخلیه اجباری مستأجرین بی خانمان را ؛ نه مسئله سرقتی ها و سود های کلانی را که سرمایه داران مستغلات چسبیده جیب می زند حل می کند و نه آن بلایا و گرفتاری های آنرا که رابطه ناسلم و استثمار ، مالک و مستأجر به وجود می آورد .

آقای مقتدائی بر اساس همین قانونی که بلافاصله به مورد اجرا گذاشته شده ، " در مورد خانمهایی که صاحبانش فراری بوده اند و طبق قانون مصوبه شورای انقلاب در اختیار سازمان

مسکن قرار داده شد و آن سازمان این خانه هارا به افراد واجد شرایط اجاره داده بود " می گوید .
" اگر صاحبانش حکم خلع ید گرفته باشند مقرر شد محاکم ، طبق قانون روابط مالک و مستأجر عمل کنند . " (اطلاعات ، ۲۶ آذر) .
و به این ترتیب خانه به دوشان زمان رژیم شاه را دوباره به خیابان بسی ریزند !
تصویب لایحه مالک و مستأجر ، که ناشی از تفوق خط سرمایه داران و صاحبان مستغلات بزرگ در حاکمیت ج ۱۰۱۰ است چیزی جز تأیید و تصویب مجدد قانون ارتجاعی ۵۶ ، یعنی چرخیدن در ، بر همان پاشنه زمان طاغوت با روشن زدن پشه لولاهای آن نیست !

دست مالکان بزرگ و زمینداران سرمایه دار لزوم ستاها کوتاه باد!

در هفته گذشته نیز یورش مالکان بزرگ و زمین داران سرمایه دار با پشتیبانی مأمورین دولتی و پاسداران ، همراه با حکم حاکم شرع و مقامات قضائی علیه دهقانان همچنان ادامه داشته است !

شدت و گستردگی این عملیات به اندازهای است که حتی نمایندگانی زرتد کرمان ، که خود پر تمامی اقدامات سرکوبگرانه و مغایر با آرمانهای انقلاب در جهت تأمین آزادی و عدالت اجتماعی حاکمیت اذعان دارد ، به یکی از این هجوم ها اشاره کرده و می گوید :
" مدتی است که به طور مرموز از سوی بعضی از قضات پاپرپرونده سازی ، آرائی را از دست کشاورزان که دهها سال روی زمین کار کرده اند ، خارج و به عمده مالکین برمی گردانند و در صورت امتناع از اجرای حکم ، آنها را به زندان می اندازند . از جمله جمعی از کشاورزان گرمسار که

اخیرا زندانی شده اند " (اطلاعات ، ۳۰ آذر ۶۲)
انتقادات بی رنگ و پراکنده ، پسرخسی از نمایندگان مجلس ، در این زمینه ، خود افشاگر ژرفای فاجعه ای است ، که اعمال سیاست های خیانت بار سرداران ج ۱۰۱۰ به بار آورده است .
فاضل هرندی نماینده مجلس می گوید :
" حدود پنج سال از عمر انقلاب می گذرد و ما در آستانه برگزاری مراسم ششمین سال پیروزی انقلاب هستیم . اگر به عقب برگردیم و ببینیم در این پنج سالی که از عمر انقلاب گذشته ، بسیاری صاحبان اصلی انقلاب چه گام های اساسی و چه حرکت های سازنده انجام دادیم ؟ با کمال تأسف باید عرض کنم که نه تنها گام اساسی برداشته نشده است ، بلکه عده ای از انقلابیون بعد از انقلاب جوی به وجود آورد مانده که امروزیکی از نقاط ضعف و یکی از نقاط منفی برای معرفی اشخاص ، حمایت از محرومین و مستضعفین است در رابطه با کشاورزی که یکی از مسائلی است که در مملکت ما می تواند پاسخگوی نیازهای ما باشد و ما را به خودکفایی برساند ، چه پیشرفت هایی صورت گرفته ؟ شعار دادیم ، در شعار گنیم محور کشاورزی است . اما آنچه در باره آن فکر اساسی نشده است ، کشاورزی است " (اطلاعات ، ۲۸ آذر ۶۲) .

به این ترتیب بار دیگر برای مردم ما به وضوح ثابت می شود ، که بلافاصله پس از سرکوب و ایراد فشار بر حزب توده ایران ، هجوم علیه ستاها و انقلاب شدت بی سابقه ای می یابد و یورش به دهقانان و کارگران ، کارمندان زحمتکش سازمان داده می شود . گویا رهبران رژیم فراموش کرد مانده که زحمتکشان کشور ما قادرند ، بار دیگر بساط ظلم را برچینند و پاسخ دندان شکنی به حامیان زر و زور بدهند !

سند پیکاهای کارگری آزاد را گرفته ، کارگران نیز فقط یک راه دارند و آن اینست ، که با احیای سازمان های مستقل صنفی خودشان و در پی تشکیلاتی منسجم ، یکپارچه و قدرتمند ، ارتش خود را مقابل سرمایه داران و حامیان آنها در حکومت سازمان دهند . تنها از این طریق است که کارگران می توانند زنجیرهای بردگی را از دست و پایی خودشان بیاورند . تشکیلات منسجم و قدرتمند سراسری کارگران یعنی حفظ استقلال واقعی کشور ، یعنی آزادی واقعی ، یعنی رسیدن به خواست های برحق و بالاخره یعنی سعادت آینده خود و مملکت .

در پایان مایلیم قطعه شعر معروفی از شاعر بزرگ کارگری ایران ، لاهوتی که سال ها پیش سروده شده و بی رابطه با اوضاع و شرایط فعلی مملکت نیست یاد آور شویم :

شادبمان ای هنری رنجبر
ای شرف دود . . . نوع بشر ،
ای ز تو آباد جهان وجود ،
هیچ نبود ارکه وجودت نبود .
دولت شاهان اثر گنج تست ،
راحت هایان ثمر رنج تست .
گر تو دوروزی ندی تن به کار
یکسره تابود شود روزگار ؛
باعت آبادی عالم تویی ،
رنجبر ، معنی آدم - تویی .

کارگران تنها با ایجاد تشکیلات . . .

بقیه از صفحه ۹

این مسئله واقف بودند ، که سرمایه دار برادر آنها نیست و اگر تا به حساسی بری گرفتن حقوق خود بر علیه سرمایه داران دست به اعتصاب همه جانبه نمی زدند فقط و فقط به خاطر دفاع از منافع کلی انقلاب در مقابل توطئه های امپریالیسم بود . و این آن چیز است که رهبری ج ۱۰۱۰ هرگز موفق به درک کامل آن نشده است .

ولی حالا که کارگران هر روزه شاهد بستن قرارداد های کلان با امپریالیست ها هستند ، قرارداد هایی که به خاطر گسستشان انقلاب کردند ، حرف خود را با قدرت خواهند زد .
تجربه همین یک سال اخیر نشان داده است که کارگران و زحمتکشان با درک واقعیت در موارد متعددی اگر چه به طور پراکنده ، با استفاده از حربه اعتصاب خواست خود را با قدرت مطرح کردند . مقامات ج ۱۰۱۰ چه انکار کنند و چه انکار نکنند ، پهر حال جامعه ایران یک جامعه طبقاتی است و حل مسائل جامعه از درون یک مبارزه طبقاتی حاد خواهد گذشت . حالا که حکومت عملا جانب داری خود را از سرمایه داران و بخش خصوصی نشان داده و سپاه و نیروهای سرکوبگر خود را برای حفظ این سرمایه داران غارتگر بسیج کرده ، کلیه ارگنسان ها را از نیروهای مردمی تصفیه کرده و جلوی فعالیت علمی سازمان های مترقی و نیز

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی مردم ایران ، متحد شویم !

سردمداران ج.ا. همچنان اعتراضات

بقیه از صفحه ۱۱

میهن دوستان دریند به ویژه زنان مبارز از جنگل جلاخان حکومت ج.ا. سرعیا اقدام نمایند و آزادی زندانیان ، حق ملاقات با خانواده هایشان و اعزام هیئتی به ایران جهت بررسی وضع آنان از نزدیک را طلب نمایند .

در فراخوان ، همچنین ، پس از اشاره به نقش پیکار جوانان این زنان در پیروزی انقلاب ایران و تلاش آنان در راه احقاقی حقوق زنان زحمتکش میهن ما ، از این که آنان ماهها است بدون خبر ، در سیاهچالهای ج.ا. به سر می- برند ، ابراز تأسف شده است .

خانم اولین فلیپو ، طی ارسال نامه ای به سفارت ج.ا. در پاریس ، شخصا نیز به یروش های غیر انسانی حکومت ایران در قبال زنان مبارز ، شدیدا اعتراض نموده و آمادگی خود را جهت فریتم به ایران و بررسی وضع زنان زندانی اعلام نموده است .

سوئد

در مراسم راهپیمایی باشکوهی که در روز ۱۲ دسامبر (۲۱ آذر) ، بنابه ابتکار " کمیته های صلح سوئد " ، تحت عنوان " سربازان علیه سلاح های هسته ای " در استکهلم برگزار گردید و در آن ، سربازان سوئدی برای اولین بار با اونیفورم سربازی شرکت داشتند ، سازمان " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " در سوئد نیز حضور داشت ضمن ابراز همبستگی با نیروهای صلح - طلب ، به پخش اعلامیه ای جهت افشای جنایات حکومت ایران در حق زنان دمکرات میهن ما پرداخت و ضمن آن از کلیه سازمانهای مرفقی ، احزاب و شخصیت های صلح دوست خواست تا با تشدید موج همبستگی با زنان زندانی ، آنان را از بند درخیمان ج.ا. رها سازند .

نمایندگان ج.ا. در پاسخ به اعتراضات گسترده نیروهای مرفقی ، نسبت به موج بازداشت ها و شکنجه و آزار در ایران بر ماهیت سرکوبگرانه حاکمیت صحنه می گذارند

زنان کمونیست شهر کارلایل در انگلستان ، یکی از سازمان های مرفقی این کشور ، طی ارسال نامه ای به سفارت ج.ا. در لندن ، نسبت به بازداشت و شکنجه و آزار فعالین و اعضای " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " و سایر دگراندیشان زندانی ، شدیدا اعتراض نمود و ضمن اعلام حمایت همه جانبه خود از آنان خواستار اعزام هیئتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان به ایران ، جهت بررسی شرایط آنها از نزدیک گردیده است .

بخش اطلاعات و مطبوعات سفارت طی نامه ای که به زنان کمونیست کارلایل ارسال داشته ، به جای پاسخ به این خواست که از جانب محافل دمکراتیک سراسر جهان نیز مطرح شده می نویسد : " شما که اعضای " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " نیستید ، او بدین ترتیب ، تنگ نظری و کوتاه فکری خود و دولت متبوع خویش را بار دیگر بر افکار جهانیان بر ملا می سازد " .

به توضیقات علیه زنان دمکرات زندانی خاتمه دهید!

طی جلسه ای که در تاریخ ۵ نوامبر ، از طرف انجمن دوستی انگلیس - گرنادا در لندن ترتیب داده شد ، حاضرین در جلسه ، اعتراض - نامه ای را که در مورد بازداشت و شکنجه اعضای " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " و سایر زنان در ایران تنظیم شده بود ، امضا کرده و همبستگی خود را با آنان اعلام نمودند .

● شرکت کنندگان در جلسه " زنان کنگره ملی آفریقا " که در تاریخ ۱۹ نوامبر برگزار گردید نیز ، طی امضای بیانیه ای ، تنفر و انزجار خود را نسبت به رفتار وحشیانه مأمورین حکومت ج.ا. با زنان مرفقی زندانی در ایران ، ابراز و آزادی آنان را خواستار گردیدند .

● طی جلسه کنفرانس سراسری زنان اتحادیه های کارگری اسکاتلند " که در روزهای ۲۳ و ۲۴ نوامبر (۲ و ۳ آذر) با شرکت ۱۷۹ نماینده از اتحادیه های کارگری مختلف در شهر گلاسکو برگزار شده ، نمایندگان " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " در انگلستان نیز همزمان با آن جلسه ای به ریاست خانم فلنیک ، یکی از زنان حزب کمونیست این کشور ترتیب داد . در ابتدای جلسه خانم پت ، نماینده " اتحادیه کارمندان فنی و مشورتی " سخنانی در مورد اوضاع ایران و به ویژه توضیقات وارده به زنان مبارز در کشور ما و لزوم همبستگی با دمکرات های دریند و پشتیبانی از اهداف کمیته دفاع از انقلاب ایران ایراد کرد و از شرکت کنندگان خواست که قطعنامه ای را ، که از طرف سازمان تشکیلات دمکراتیک در بریتانیا تنظیم شده بود ، مورد تصویب قرار دهند . شرکت کنندگان در جلسه ، پس از استماع متن قطعنامه ، که در آن به تاریخچه مبارزات زنان عضو تشکیلات دمکراتیک و علل دستگیری آنان و نیز شکنجه هایی که در زندان محمل می شوند اشاره شده و بحث در این زمینه ، به قطعنامه رای مثبت دادند .

جلسه کنفرانس با تصویب این قطعنامه ، نسبت به دستگیری و شکنجه بربرمنشانه آزادی خواهان در ایران و به ویژه اعضای تشکیلات دمکراتیک اعتراض نمود و سرکوب سازمانهای مرفقی را در ایران محکوم کرد و کمیته اجرایی را موظف دانست تا از طریق حزب کارگر ، اتحادیه های کارگری و سازمان های بین المللی ، به اقداماتی

جهت اجرای خواسته های زیر دست زدند :

۱- دیدار کمیونی بین المللی ، مرکب از حقوق دانان و پزشکان متخصص با زنان زندانی و بررسی وضع آنان از نزدیک

۲- قطع قوری شکنجه ها

۳- آزادی کلیه زندانیان سیاسی مرفقی

● نمایندگان تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در بریتانیا ، ضمن شرکت در جلسه عمومی مجمع ملی زنان انگلیس در لندن ، در روزهای ۲۵ و ۲۶ نوامبر (۴ و ۵ آذر) توضیحاتی در رابطه با اوضاع ایران ، وضع زنان کشور ما و اهمیت حمایت نیروهای مرفقی از دمکراتهای زندانی ، در اختیار شرکت کنندگان در جلسه قرار دادند .

جلسه عمومی مجمع ملی زنان انگلیس ، قطع نامه ای در رابطه با محکوم کردن موج سرکوب اخیر نیروهای مرفقی در ایران صادر نمود که در آن به ویژه ، روشن شدن سرنوشت اعضای " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " و اعزام هیئتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان ، جهت ملاقات با زندانیان در ایران خواستار شده است .

در قطعنامه ، همچنین خواست آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی دمکرات مطرح شده و اعضای " مجمع ملی زنان انگلیس " اعلام نمودند که از طریق اقدامات عملی همه توان خود را در این راه به کار خواهند برد .

در این جلسه ، نماینده " فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان " نیز حضور داشت ، که ضمن اعلام پشتیبانی از " تشکیلات دمکراتیک " و مبارزات مردم ایران ، اعتراض نامه ای را بدین مناسبت امضاء کرد .

● شرکت کنندگان در مراسم برگزاری روز زنان اتحادیه های کارگری در شهر هال ، طی امضای نامه های اعتراضی ، بازداشت و شکنجه زنان در ایران به ویژه اعضای " تشکیلات دمکراتیک " را شدیداً محکوم کردند .

کارزار جهانی همبستگی با زنان دمکرات زندانی

دکتر " می شام ساهنی " نویسنده برجسته هندی و دبیر کل " فدراسیون ملی نویسندگان مرفقی " این کشور نیز برنده " جایزه " ساویت لند نهر " امسال (جایزه مخصوص نویسندگان هنرمندان مبارز راه صلح و همبستگی میان ملت ها) طی ملاقاتی با نمایندگان " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " در هندوستان ، ضمن تجلیل از نقش ارزنده " زنان ایران در پیروزی انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی بهمن ۵۷ ، فعالیت های " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " را در سازماندهی زنان زحمتکش این کشور ستود و از اینکه چرخش به راست حاکمیت ج.ا. منجر به بازداشت و شکنجه بی رحمانه " این زنان مبارز گردیده است ، ابراز تأسف نمود . وی ضمن محکوم شمردن این اعمال ، از کلیه نیروهای آزادی خواه و صلح دوست جهان خواست تا صدای خود را علیه سرکوب میهن دوستان و مبارزین راه استقلال ، بقیه در صفحه ۱۶

احزاب، سازمانها و محافل ...

بقیه از صفحه ۵

اهمیت استراتژیک انقلاب ایران برای جنبش صلح جهانی و بنابر این پیامدهای شکست این انقلاب و لزوم عکس العمل نیروهای مترقی جهان، دفاع از جنبش مترقی، حزب توده ایران و تاریخچه مبارزاتی آن و چگونگی سرکوب وحشیانه حزب و شکنجه و آزار اعضای آن ارائه دادند.

شرکت کنندگان در جلسه، ضمن ایراز هم- بستگی با حزب توده ایران و اعضای آن، بر لزوم تشدید جنبش اعتراضی به سیاست های ارتجاعی حکومت ج ۱۰ در رابطه با این مبارزین تأکید نمودند.

● در همین روز، شعبه دندلی " کمیته دفاع از انقلاب ایران " در گلاسکو، نیز سمینار یک روزه ای برای مطالعه اوضاع خاورمیانه تشکیل داد که در آن فعالین جنبش کارگری منطقه شرکت داشتند. رابرت تاسون، " مسئول کمیته دفاع " شعبه دندلی، جلسه را افتتاح کرده سپس نمایندگی جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین در بریتانیا، تحلیل جامعی از اوضاع خطرناک جهانی، گسترش جنگ و احتمال قریب الوقوع دخالت مستقیم آمریکا در منطقه، بیان داشت و هم چنین در مورد لطافت جنگ میان ایران و عراق برای نیروهای مترقی منطقه، مطالبی اظهار نمود. آنگاه نماینده سازمان هواداران حزب توده ایران در بریتانیا، به شرح اوضاع ایران، کردش به راست حاکمیت ج ۱۰ و حمله وحشیانه ارتجاع ایران به نیروهای مترقی و حزب توده ایران سخن گفت و در

پایان جلسه، در مورد چگونگی گسترش جنبش بین المللی همبستگی با حزب توده ایران، زندانیان توده ای و سایر زندانیان سیاسی مترقی در ایران بحث و تبادل نظر شد و ابتکارات جدید در رابطه با روشنگری این مسائل در افکار عمومی، مورد بررسی قرار گرفت.

دفاع جنبش صلح بریتانیا از زندانیان توده ای

کنفرانس سراسری جنبش صلح بریتانیا در روزهای دوم تا پنجم دسامبر (۱۱ تا ۱۴ آذرماه) با شرکت دو هزار نماینده، از شعب مختلف سازمان، همپارزه در راه خلیج سلیمان، در شهر شفیلد بریتانیا برگزار شد. در این کنفرانس، نماینده از سوی " کمیته دفاع از انقلاب ایران " نیز بنا به دعوت جنبش صلح، حضور داشتند و طی سخنانی، به افشای ماهیت حاکمیت راست - گرا در ایران و به ویژه سیاست جنگ طلبانه آن و خطراتی که این امر برای صلح جهانی به همراه دارد پرداختند. نمایندگان، هم چنین غلغل و عیوض به حزب توده ایران و بازداشت و شکنجه و آزار توده ای های در بند را توضیح دادند. آنگاه شرکت کنندگان در کنفرانس، طی امضای اعتراض نامه های، اعمال رفتار وحشیانه در مورد توده ای ها را شدیداً محکوم نموده، برخواست اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و حقوق

دانان به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک، تأکید ورزیدند.

تظاهرات اعتراضی علیه برپایی ...

بقیه از صفحه ۳ شده است، شکی ندارد. سازمانها و شخصیت های مترقی بین المللی، بارها از مقامات مسئول ج ۱۰ خواستمانده، که با صدور روایذی برای هیئتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان به ایران جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک موافقت نمایند، ولی این خواست آنان تا کنون بدون جواب مانده است.

آنگاه، طی فراخوانی، بار دیگر از نیروهای مترقی خواسته شده است، بانگ اعتراض خود را علیه این بیدادگری ها، هر چه رساتر ساخته و برخواست اعزام این هیئت به ایران، پافشاری ورزند.

امضاء کنندگان قطعنامه به قرار زیرند:

- جبهه همبستگی با خلقهای آمریکای لاتین
- کمیته همبستگی با خلقهای آمریکای مرکزی
- انجمن دانشجویان ویتنامی در برلن غربی
- اتحاد دانشجویان کرد در اروپا
- مرکز فرهنگی ترکهای مقیم برلن غربی
- انجمن دانشجویان ترکیه در برلن غربی
- اتحادیه دانشجویان عراقی در آلمان فدرال و برلن غربی
- جنبش دانشجویان یونانی در برلن غربی

از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت، که محاکمه افسران میهن دوست، با اصول مورد قبول جوامع تمدن با مفاد قانون اساسی ایران در تضاد آشکار است و باید متوقف گردد.

حجت الاسلام ری شهری، حاکم شریع بیدادگاه نظامی در گفتگویی با خبرنگار واحد خبر صدا و سیما ج ۱۰ اظهار داشته است، گویا آخرین موضوعی که محترضین به جریان دادرسی در سراسر جهان مطرح کردند، عدم حضور خبرنگاران خارجی در دادگاه است. حاکم شرع دروغ می گوید و سفسطه می کند. مردم جهان به مجموعه جریان دستگیری، بازجویی، شکنجه، قتل و نحوه دادرسی که در پنج مورد مشخص از آنها یاد کردیم معترضند. مردم جهان هیئت حاکمه ایران را به استفاده از شیوه های فاشیستی و نادیده گرفتن عادی ترین موازین حقوقی و اخلاقی و توهین به حیثیت و شخصیت انسانها متهم می سازند.

خیانتکاران به انقلاب با برگزاری این بیدادگاهها، با وجود تدارکات فسد جوینانه چندین ماهه خود، چه بخواهند و چه نخواهند - خود را افشا می سازند. بی آمد این خودافشاگری رسوا، برای حاکمیت ج ۱۰ جز ننگ ابدی و محکومیت در مقابل خلق و تاریخ چیست دیگری نیست!

و می کوشند در جریان دادرسی از زبان متهمین زیر قید و بند شکنجه به اصطلاح دلیل بتراشند. با اینکه سردمداران ج ۱۰ تقلا می کنند واقعیت پشت پرده این " محاکمات " پنهان بماند و فرمانبران آنان در رسانه های گروهی با دقت و وسواس در پی اجرای اوامر آنانند، اطلاعات سانسور شده ناقص و دست کاری شده روزنامه های مجاز حکایت از آن دارد، که اتهامات پیچ و واهسی " جاسوسی " و " خیانت "، حتی با تأکید چندباره بر " اقرار متهمین " نیز قابل اثبات نیست و گردانندگان این درام فاجعه باریاتوسل به هیچ ترفندی و تمهیدی قادر نخواهند بود این " جرائم ناکرده " را بر مسند ثبوت بنشانند، زیرا، واقعیت با تمام رسایی و قاطعیت خود، بر علیه آنان شهادت می دهد. واقعیت آنست که در بیدادگاههای ج ۱۰، میهن دوستی است که به محاکمه کشیده می شود. دفاع از انقلاب، کوشش در راه تحکیم آن، تلاش در جهت خنثی سازی توطئه های امپریالیسم آمریکا و عوامل داخلی آن، ایثار در جبههها، خدمت در پشت جبهه، نبرد برای تأمین عدالت اجتماعی به سود مردم و پاسداری شبانه روزی حزب توده ایران از انقلاب و دستاورد های آنست که بر صندلی " اتهام " نشاندہ شده و محاکمه می شود.

دیوان بلخ

بقیه از صفحه ۲

قانون، از اینکه متهم می تواند شهادت دهد سخن به میان نیامده است.

و اما در مورد متهمین شرکت کنند در دادگاه نظامی، همه آنان بدون استثناء تحت وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روحی قرار داشتند و به همین دلیل " اقرار " و " اعتراف " آن ها حتی درباره اتهامات وارده به ایشان قانونی نیست.

حکام شرع به خوبی می دانند که مطابق اصول کلی امور جزائی اقرار طریقت ندارد نه حجیت. به دیگر سخن اقرار وسیله ایست برای رسیدن به حقیقت ولی دلیل جرم نیست، مگر اینکه در خارج و با اسناد و مدارک محکمه پسند، اثبات شود. لذا استناد به اقرار (به رغم طریق لخد آن) بدون دلایل خارجی فاقد پایه قانونی است.

استفاده از متهمین به عنوان شاهد نشانگر آنستکه سران رژیم بر خلاف جنجال تبلیغاتی گویز وار خود دارای دلیل و یا مدرکی برای اثبات اتهام ساخته و پرداخته ارگان های اطلاعاتی سنیا و ساواک و اینتلینت سرویس ... نیستند

ردپای خونین سازمان "سیا"

بقیه از صفحه ۷

میلیون مارک و انگلستان ۱۸ میلیون پوند استرلینگه برپای این کمک در نظر گرفته اند. بنا بر مندرجات مطبوعات غرب، آمریکا و هم پیمانانش، برای مبارزه علیه انقلاب افغانستان با تسخیر یک میلیارد دلار خرج کرده اند.

ضد انقلابیون تا کنون مبلغ ۳۵ میلیارد افغانی، خسارت بر اقتصاد افغانستان وارد ساختند. راهزنان دو هزار مدرسه، بیش از ۳۰ بیمارستان و یکصد درمانگاه را ویران کرده و یا به آتش کشیده اند. ۱۴ هزار کیلومتر سیم تلگراف و تلفن را قطع و نابود ساخته اند. بسیاری از تعاونی های روستائی را از بین برده اند و شهر وندان بی گناه و صلح دوست افغانستان را وحشیانه به قتل رسانده اند.

ادارات جاسوسی غرب، در زمینه فعالیت جاسوسی در افغانستان، بی امان مشغول کارند. نمونه های زیر گواه این ادعاست:

در آغاز سال جاری، یکی از گروه های راه - زنان در ایالت "لوگر" تاروا را شد و در میان افراد آن یک فرانسوی به نام "فیلیپ اوهایار" دستگیر گردید. یکی از مأموریت های او این بود که برای سازمانی به نام "اداره اطلاعات افغانستان" (بی آی ۱۰) اطلاعات نظامی گرد آورد. کمی پس از دستگیری، او در یک کنفرانس مطبوعاتی اعتراف کرد که "بی آی ۱۰" برای ادارات جاسوسی ناتو، اطلاعات نظامی تهیه می کند.

اخیرا کاروانی که پنهانی در حال حمل و خارج کردن سنگ های قیمتی "لازوریت" از افغانستان بود، به دام افتاد و در نزد خورد یک بیگانه کشته شد. بنا بر اسنادی که در نزد مقتول به دست آمد، او تبعه انگلستان بود و "استوارت

بودن" نام داشت. در دفتر یادداشت او مطالبی پیرامون محل استقرار واحد های نیروهای مسلح دولت افغانستان و آموزش های در زمینه چگونگی کاربرد مواد منفجره، گوناگون وجود داشت. نزد او یک دستگاه بی سیم برای تماس با سایر مأمورین نیز پیدا شد. این دستگاه بی سیم، مجهز به یک کامپیوتر ثبت و تنظیم اطلاعات بود. برای راهنمایی کاروان، از نقشه های منتشره در آمریکا استفاده می شد (بجاست یادآور شویم که در سال ۱۹۸۱ نیز پس از تاروا را شدن یکی از دسته های ضد انقلابیون مسلح، نزد آنها نقشه های افغانستان که در سازمان "سیا" تهیه شده بود به دست آمد. تأسیساتی که می بایست مهذب شوند - نیروگاه های برق، مؤسسات صنعتی، سد ها و فرودگاه ها با نشانه های ویژه ای روی این نقشه ها مشخص شده بودند). چنین تجهیزاتی جای تردید باقی نمی گذارد که فرد مقتول از سازمان های جاسوسی غرب بوده است. بعدها نیز آشکار شد که "استوارت" بود من "حقیقی سالم است و هیچ اتفاقی برای او نیافتاده". سازمان های جاسوسی، برای مخفی نگاه داشتن مأموران خود، از اسامی سایر افراد استفاده می کنند.

چهار افغانی که در سفارت آمریکا در جمهوری دموکراتیک افغانستان کار می کردند، در پایان سپتامبر سال جاری در یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل از چگونگی همکاری خود با "سیا"، از فعالیت های جاسوسی و خرابکاری خود که به دستور "دیپلمات های آمریکائی انجام می دادند، برای روزنامه نگاران افغانی و خارجی سخن گفتند. آنها گوشه هایی از چگونگی به راه انداختن افشاش در کابل در سال ۱۹۸۰، پخش اعلامیه ها، ایجاد دسته های مسلح

راهزنان و سازماندهی فعالیت های آنان و گردآوری اطلاعات نظامی را فاش کردند.

این واقعیت ها مؤید آن است که هرگاه در کشوری دگرگونی های بنیادی صورت می گیرد، چنانچه این تحولات ضد منافع واشنگتن باشد، دولت آمریکا آن را دلیل قابل توجیهی برای دخالت در امور داخلی آن کشور مستقل به حساب می آورد.

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، به موازات سازماندهی مقاومت در برابر ضد انقلابیون و حامیان آنها، همواره کوشیده است تا مسائل منطقه از راه های سیاسی حل شود و بر اساس معیارهای حقوق بین المللی مورد پذیرش همگان و بر پایه "اساسنامه" سازمان ملل متحد، مناسبات دولت های همجوار در منطقه به حال عادی در آید. همچنانکه در بیانیه های ماه مه سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۸) و ماه اوت سال ۱۹۸۱ (۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان اظهار شده است:

"عادی شدن مناسبات ما به شرطی امکان پذیر است که تجاوز مسلحانه به افغانستان و دخالت در امور داخلی آن به هر شیوه دیگری، تمام و کمال متوقف شود و بار دیگر تکرار نشود".

تصحیح وپوزش

در صفحه ۱۲ "راه توده" ویژه نامه "هجد همین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، ستون دوم، ستون ۸ و ۹ باید به صورت زیر خوانده شوند: افسران آزادی خواه و توده ای های درینند، به گونه ای قانونمند در خدمت ..."

کمک مالی به

حزب توده ایران،

یک وظیفه انقلابی است!

• هواداران حزب توده ایران و

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در

لؤلؤ (سوئد)

هزینه جاب این شماره "راه توده" را

تأمین کردند

RAHE TUDEH

No. 74

Friday, 6 Jan. '84

Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	Italy	600	L.
France	U.S.A.	50	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.

راه
توده

مردم قهرمان کوبا،

بقیه از صفحه ۷

بهره دهی کار، کاستن هزینه ها و غیره ادامه یابد. ادامه میکن سازی و افزایش شتاب آن، بهبود توزیع کالا های ضروری و سرعت در خدمات و بالا بردن کیفیت کالا های مصرفی از عمده ترین اهدافی است که مردم کوبا در سال های آینده باید بدان دست یابند.

زمحکشان کوبا با عزمی راسخ برای شکوفا ساختن هر چه بیشتر انقلاب سوسیالیستی خود و تحکیم و پیشرفت بنیه اقتصادی کشور، مقاومت در برابر توطئه گیری های امپریالیسم آمریکا - که کوبا را به فرود آوردن چماق بزرگ خود تهدید می کند - و یاری و همکاری با جنبش های مترقی در آمریکای مرکزی و جهان به پیشواز ۲۵ -مین سالگرد پیروزی انقلاب خود رفتند.

بی شک این خلق می تواند از هرگونه آزمون تاریخی، سرفراز و پیروزند بیرون آید.

سردمداران ج.ا.

بقیه از صفحه ۱۴

آزادی و عدالت اجتماعی بلند کرده و جنایات حکومت ج.ا. را در حق آنان افشا نمایند. دکتر "بی شام ساهنی"، از نیروهای دمکرات خواسته است، با تمام قوا از جان دمکرات های در بند دفاع و مطالبات زیر را مورد پشتیبانی قرار دهند:

- ۱- قطع فوری شکنجه ها و پایان دادن به بازداشت ها
- ۲- آزادی کلیه زندانیان دمکرات و مترقی در ایران
- ۳- اعزام هیئتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان بین المللی به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان و به ویژه زنان زندانی
- ۴- پایان دادن به تضيیقات در مورد زنان ایران و متوقف ساختن روش های وحشیانه سرکوب در حق اعضای "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران".